

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۵۴

جمعه ۱۸ اسفند ۱۳۹۶، ۹ مارس ۲۰۱۸

علیرغم خشونت اوباش اسلامی، تجمع هشت مارس در مقابل وزارت کار برگزار شد

الهیاری، آزاده بهکیش، آذر گیلاتی، پیمان چهارزی، بهار اصلانی، جواد عباسی توللی، سودابه رخس و علی سالم.

طبق گزارشات مختلف امروز جمعا ۸۴ نفر (۵۹ زن و ۲۵ مرد) دستگیر شده اند. خانواده های دستگیر شدگان در مقابل بازداشتگاه وزرا دست به تجمع زدند و خواهان آزادی فوری عزیزان خود شدند.

حزب کمونیست کارگری حمله به تجمع هشت مارس و دستگیری فعالین حقوق زن را شدیداً محکوم میکند و همه مردم، همه مدافعین آزادی و حقوق زن را فرامیخواند که همراه با خانواده های دستگیر شدگان دست به تجمعات اعتراضی بزنند و بخواهند که دستگیرشدگان فوراً و بدون هیچ قید و شرطی آزاد شوند.

زننده باد هشت مارس روز جهانی زن
مرگ بر حکومت ضد زن اسلامی
حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ اسفند ۱۳۹۶، ۸ مارس ۲۰۱۸

از صبح امروز روز جهانی زن سرکوبگران جمهوری اسلامی مناطق اطراف وزارت کار را بشدت تحت کنترل گرفته بودند تا مانع رسیدن مردم به مقابل وزارت کار شوند. تعدادی را در مسیرهای اطراف وزارت کار مورد ضرب و شتم قرار دادند و افرادی را دستگیر کردند. علیرغم همه اینها جمعیتی از فعالین حقوق زن در مقابل وزارت کار تجمع کردند تا به ستم و تبعیض علیه زنان اعتراض کنند. تجمع کنندگان در حالیکه پلاکاردهایی چون نه به تبعیض جنسیتی نه به قوانین تبعیض آمیز و مزد برابر و عادلانه برای زن و مرد در دست داشتند، سرود خوانند و شعار دادند: حق ما برابری، کار تو ستمگری آزادی، برابری، عدالت جنسیتی نمان کار آزادی زنان، کار، آزادی، پوشش اختیاری نترسید نترسید ما همه با هم هستیم نیروی سرکوب حکومت به تجمع حمله کرد که با مقاومت مردم مواجه شد. سرانجام تعدادی را دستگیر کردند از جمله: بنفشه جمالی، زهره اسپور، مهرداد فلاحی، پرستو

زنده باد انقلاب زنانه

متن سخنرانی شیرین شمس در کنفرانس ۸ مارس در استکهلم، با شرکت نمایندگان احزاب
صفحه ۲

بی حجابی عمومی، فراخوان هشت مارس ۹۶

مینا احدی

صفحه ۳

جمهوری اسلامی با حجاب آمد و بدون حجاب میرود

متن سخنرانی اصغر کریمی در مراسم گوتنبرگ سوئد به مناسبت ۸ مارس

صفحه ۴

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر

صفحه ۶

شمارش معکوس برای مرتضوی

کاظم نیکخواه

صفحه ۷

اعلامیه حزب کمونیست کارگری در مورد محکومیت دختر خیابان انقلاب

گستاخی حکومت بی پاسخ نمیماند!

صفحه ۸

اطلاعیه شماره یک:

امسال انقلاب زنانه در هشت مارس روز جهانی زن، با قدرت

بیشتری پیش میرود

صفحه ۹

بخشی از بیانیه های ۸ مارس

صفحه ۹

پیرامون ادعای «رشد اقتصادی و کاهش تورم» توسط دولت!

محمد شکوهی

صفحه ۱۲

چند گزارشی از مراسم هشت مارس

صفحه ۱۴

اعتراضات سال ۱۳۹۶ علیه فقر!

نسان نودینیان

صفحه ۱۵

سایت حزب کمونیست کارگری ایران:

www.wpiran.org

نشریه انترناسیونال:

www.anternasional.com

زنده باد انقلاب زنانه

متن سخنرانی شیرین شمس در کنفرانس ۸ مارس در استکهلم، با شرکت نمایندگان احزاب



چندان و از طرف دیگر نگرانی و هراس حکومت زن‌ستیز اسلامی را از سرنگون شدن به همان میزان بالا برده است.

هشت مارس امسال، روز جهانی زن باید باعث تقویت مضاعف موج بی‌حجابی در سراسر ایران، و حمله بیشتر و وسیع‌تر و رادیکال‌تر به نظام زن‌ستیز اسلامی باشد که این امر نغتنها متضمن پیروزی انقلاب زنانه، انقلابی که زنان به همراه دیگر بخش‌های زحمتکش جامعه از پیش‌قراولان آن بوده‌اند، بلکه گام‌های بلندی در راستای پیروزی انقلاب مردم ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی است. حجاب شیشه عمر جمهوری اسلامی است و به معنای واقعی این شیشه ترک برداشته، به معنای واقعی در حال فرو ریختن هست و همین خبر از سرنگونی این حکومت می‌دهد.

هشت مارس امسال هشت مارس است که جنبش سرنگونی که ما همیشه از آن صحبت کردیم، بیش از هر زمانی خود را نشان میدهد، و زنان با عملکردشان نشان دادند که بیش از هر زمان نوید بخش آزادی و رهایی اند. امسال هشت مارس، مساله بر سر بود و نبود جمهوری اسلامی است و زنان در راس این مساله هستند. به این معنا انقلاب ایران يك انقلاب زنانه است.

مردان به این کارزار. زنان عامدانه مقابل مساجد و پایگاه‌های بسیج، حجاب از سر برمی‌دارند و تصاویر این اقدامات را علنی می‌کنند.

با آگاهی و پیش‌بینی از دستگیری و بازداشت، باز هم بروی سکوی انقلاب میروند تا بگویند که نه تنها خواهان هیچ‌صلحی با این حکومت نیستند بلکه آمده‌اند تا به قلب نظام بزنند و اعلام می‌کنند که جمهوری اسلامی با همه جناح‌ها و باند‌هایش، و با تمام قوانین و فرهنگ استعمارگر، مذهبی، سنت زده، مردسالارانه و ضد انسانی اش باید برود.

۳۹ سال پیش جمهوری اسلامی با حجاب این سلولهای انفرادی به جنگ زنان و جامعه آمد و امروز زنان با به چوب کردن همان حجاب با جمهوری اسلامی می‌جنگند. تکثیر دختران خیابان انقلاب در این دوره، مهر تأییدی بر این واقعیت زد که انقلاب ایران خصلت زنانه دارد، زنانی آزاده که نه تنها قوانین اسلامی و بردگی زن را به چالش کشیده‌اند، بلکه با جسارت و شجاعت تمام، با این قوانین و فرهنگ ارتجاعی و با تمامیت حکومت اسلامی به مقابله پرداخته، و در جدال هر روزه با این حکومت، به اعتراف مسئولین جمهوری اسلامی این حکومت را شکست داده و با نه سراسری به حجاب اجباری، نه سراسری به جمهوری اسلامی را نمایندگی کرده‌اند.

تکثیر دختران خیابان انقلاب از يك طرف روحیه اعتراضی و سرنگونی طلبی مردم ایران را صد

همین هشت مارس، به دستاوردهای بشری، به مدرنیسم، به مدنیت حمله کرده تا از این طریق سهمی در قدرت سیاسی سیستم حال حاضر داشته باشد.

و بر کسی پوشیده نیست که جنبش نوین رهایی زن امروز، به عنوان يك جنبش اجتماعی، سیاسی، اعتراضی و سرنگونی طلبانه یکی از قوی‌ترین جنبش‌های اعتراضی ایران است که با مبارزات خود، امروز بر سر مساله زن و حجاب، مبارزه طبقاتی در ایران را قطعی کرده است.

هشت مارس امسال در شرایطی فرا میرسد که انقلاب مردم ایران آغاز شده است. در خیزش سراسری از دیماه علیه فقر، ستم، ظلم، بی‌حقوقی و سرکوب، مردم یکپارچه به خیابانها آمدند و فریاد نه به جمهوری اسلامی سر دادند... در این مدت انقلاب مردم به سرعت رادیکال‌تر، وسیع‌تر و عمیق‌تر می‌شود. زنان به مبارزه علیه حکومتی استعمارگر که با قوانین اسلامی، زنان و کل جامعه را مورد توهین و تحقیر و کنترل قرار داده است، برمی‌خیزند و در صف اول مبارزه پیش می‌روند. دختران خیابان انقلاب این نمادهای بی‌چون و چرای انقلاب زنانه و این سمبل‌های مقاومت و ایستادگی و سمبل‌های انقلاب مردم ایران، از دل اعتراضات سراسری بیرون می‌آیند و خون تازه ای به رنگ‌های جنبش سرنگونی طلبانه مردم ایران داده‌اند.

ادامه خیزش انقلابی جامعه خود را نشان می‌دهد، این بار در کارزار دختران انقلاب و پیوستن

از سر برمی‌دارند، سر چوب میکنند تا نشان دهند که به حجاب اجباری و اساسا به هر اجباری اعتراض دارند و به گفته خودشان این اعتراض نه فقط به حجاب اجباری بلکه به کلیت جمهوری اسلامی است. دختران انقلاب امروز در صحبت‌های خود اعلام می‌کنند که خواهان برگرداندن اختیار به زنان و به کلیت جامعه هستند.

بر کسی پوشیده نیست که جنبش رهایی زن، به عنوان يك جنبش اجتماعی، سیاسی و اعتراضی، اولین جنبشی بود که مقابل جمهوری اسلامی به عنوان نماینده جنبش اسلام سیاسی بطور قاطعانه ایستاد. ۳۹ سال پیش در چنین روزهایی در مقابل جمهوری اسلامی که پایه‌های حکومت ضد انسانی خود را با حمله وحشیانه به زنان و با اجباری کردن حجاب این ابزار کنترل، تحقیر و بردگی زن، و این بستر ساز بی‌حقوقی‌های متعدد و تحمیلی بر زنان بنا میکرد، زنان شعار "آزادی زن" میدادند و فریاد می‌زدند که این آزادی جهانشمول است... اعلام کردند که آزادی نه شرقی است و نه غربی بلکه جهانی است و در مقابل تحمیل قوانین عقب مانده و قرون وسطایی مذهبی به صراحت اعلام کردند ما انقلاب نکردیم تا به عقب برگردیم.

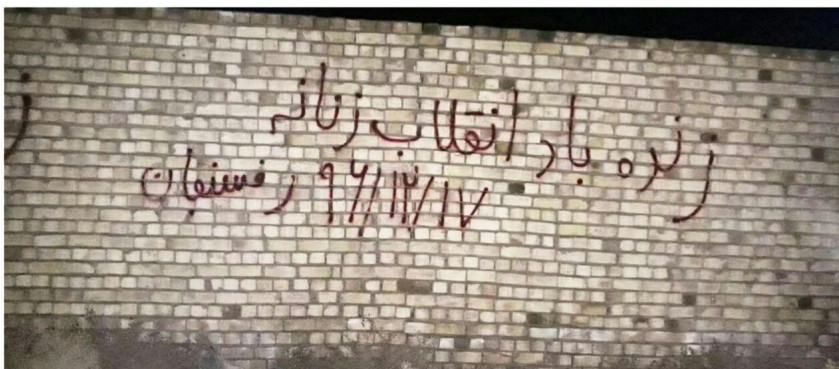
۸ مارس روز جهانی زن، تاریخ مبارزات زنان و همه انسانهای آزادیخواه، علیه نظام طبقاتی، علیه نابرابری و مردسالاری را به دوش میکشد، اما ۸ مارس در ایران نه تنها این تاریخ را به همراه دارد بلکه بنیانگذار مبارزه زنان علیه جنبش اسلام سیاسی است. جنبشی که در ایران بشکل يك حکومت اسلامی خود را رسمیت داد، در افغانستان بشکل طالبان، اردوغان در ترکیه، بوکوحرام، داعش و امثالهم. جنبشی که در هر جا پا گذاشت با حجاب که امروز به عنوان پرچم اسلامی سیاسی شناخته میشه به زنان آن جامعه و سپس به کل جامعه حمله کرده و ... به دستاوردهای

در ابتدای صحبت‌هایم دوست دارم با صدای بلند اعلام کنم؛ زنده باد هشت مارس روز جهانی زن، زنده باد دختران خیابان انقلاب و زنده باد انقلاب زنانه.

امسال در شرایطی به استقبال هشت مارس روز جهانی زن می‌رویم که زنان شجاع، مبارز، آزادیخواه و برابری طلب ایران، با مبارزات مستمر و روزمره، و مشخصا با مبارزات خود از آغاز خیزش سراسری مردم ایران علیه وضعیت حاکم، به دنیا ثابت کردند که انقلابی عظیم در بطن جامعه ایران در حال پیشروی است و این انقلاب يك انقلاب زنانه است. انقلابی که با حمله به ارکان جمهوری اسلامی، نه تنها این حکومت زن‌ستیز را بیش از همیشه ضعیف کرده، بلکه تصویر غالب بر جهان مبنی بر اینکه مردم ایران، مردم مذهبی هستند را با قدرت تمام بهم ریخته و تصویری از مردم ایران، بخصوص زنان ایران را جایگزین کرده که خواهان رهایی از مذهب، فرهنگ عقب مانده، مردسالارانه و سنت زده هستند. مردمی که خواهان برگرداندن اختیار و حقوق در گرو گرفته شده خود هستند.

۳۹ سال پیش ۸ مارس ۱۹۷۹، ۱۷ اسفند ۱۳۵۷، در روز جهانی زن هزاران هزار زن در خیابانها، در اعتراض به فرمان خبیثی به حجاب اجباری، بر طبل انقلاب زنانه کوبیدند. و امروز در سال ۲۰۱۸ میلادی و ۱۳۹۶ شمسی، هشتم مارس در شرایطی فرا میرسد که پرچم انقلاب زنانه با شکوهتر از همیشه شهر به شهر ایران روی سکوهایی که به سکوهای انقلاب معروف شده‌اند، به اهتزاز درآمد؛ پرچمی که ۳۹ سال دست به دست چرخید تا بالاخره به دست زنان شجاع و مبارزی رسید که امروز در سراسر جهان از این زنان تحت عنوان دختران خیابان انقلاب یاد میشود.

زنانی که نه از بازداشت می‌ترسند و نه از تهدید و یکی پس از دیگری روسری‌ها و شالهای خود را



بی‌حجابی عمومی، فراخوان هشت مارس ۹۶

مینا احدی



نوشته‌اند خیابانها را قرق خواهیم کرد، بیابانگر روحیه اعتراضی و عزم جزم زنان بر ادامه دادن به این جنبش است. و یک شب مهم در حال گشت و گذار است بی‌حجابی عمومی و دسته جمعی!

ویدا موحدها و نرگس حسینی ها و شاپرک ها و... توانستند در عین حال یک پیام به دنیا بدهند.

ایران کشور اسلامی نیست، کشوری است با حکومت فاشیست اسلامی!

حجاب فرهنگ ما نیست، حجاب سمبل بی‌حقوقی زنان است!

دوران توجیه این بی‌حرمی به زنان در کشورهای اسلام زده، به کمک پست مدرنیست‌ها و مالتی

کالچرالیست‌ها دارد سپری می‌شود و در این میان زنان ایران نقش پیشرویی ایفا می‌کنند.

از این پس زنان در عراق و عربستان سعودی و ترکیه و افغانستان و سودان هم متعرض تر و حق بجانب تر خواهند بود.

دوران داعش در دنیا از هر نظر دارد سپری می‌شود و زنان در این به خاک مالیدن پوزه داعش در ایران نقش محوری بازی می‌کنند.

پس بیابید در این هشت مارس مهم درود بفرستیم به شجاعت و پیگیری زنان در ایران که در همه عرصه‌ها مبارزه کرده و حکومت را

به شکست کشانده‌اند. زنده باد جنبش برابری طلبانه زنان در ایران

سرنگون باد حکومت ضد زن اسلامی

کلن ۶ مارس ۲۰۱۸

[fb.com/
wpIran/](https://fb.com/wpIran/)

حکومت بود و نه اینکه حکومت اسلامی و قوانین شریعه دون شأن بشر است!

این بار حکومت‌های اروپایی و امریکا و غیره، وقتی می‌دیدند حکومتی بر سر کار است که شلاق میزند به زنی به دلیل اینکه لاک ناخن دارد، و یا سنگسار می‌کند به دلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج، نمی‌توانستند راحت روی خود را

برگردانند و بروند، در عین حال به این دلیل که اعتراض در جامعه ایران همواره تداوم داشته است، پس برای ساکت کردن افکار عمومی و توجیه مماشات با حکومت زن ستیز و انسان ستیز، می‌گفتند مشغول

اصلاحات هستیم، یک بخش از حکومت را که در برخی جزئیات با بخش دیگر اختلاف نظر داشت، آلت‌رانی اوضاع معرفی کرده و از خاتمی و روحانی در مقابل

کنسرواتوینها به قول خودشان دفاع می‌کردند و می‌توانستند با این سیاست سالها تعداد زیادی را ساکت کنند. پس دیگر مهم نبود که در دوره روحانی در هر سال حداقل ۷۰۰ نفر اعدام میشوند و یا دوره خاتمی حداقل ۶۸ زن سنگسار شده‌اند! اینها دیگر مهم نبودند. مهم این بود که قرار بود حکومت روزی اصلاح شود.

مردم و زنان در ایران همه اینها را آزمایش کردند، جامعه بعد از ۳۹ سال اکنون در آستانه یک انقلاب علیه کل سیستم ایستاده است.

اگر حکومت اسلامی با حجاب بر سر کار آمد، اکنون با بر چوب کردن حجابها از طرف زنان آزاده سوت سرنگونی اش به صدا در آمده است.

هشت مارس امسال باید این حرکت را توده‌ای و علنی و دسته جمعی کرد. از ایران خبر میرسد در همه جا زنان و مردان آزادیخواه مشغول سازماندهی کنفرانس، سمینار، تئاتر، گلگشت و مجموعه برنامه‌های اعتراضی هستند. فراخوان به تجمع در مقابل وزارت کار و یا فراخوان زنان فعال از ایران که

بعد از ۱۳۶۰ و بعد از کشتار صدها نفر از همان انقلابیونی که برای یک زندگی بهتر و آزادتر مبارزه کرده بودند، پایه‌های خود را محکم کرد.

برای ساکت کردن کل جامعه اما اول به زنان حمله کردند، با فرمان یا روسری یا تو سری و در مقابل از همان آغاز طوفان درو کردند. زنان به خیابان رفته و گفتند حقوق زنان نه شرقی است نه غربی جهانی است، اما همان موقع تحلیل اسلامپا این بود که بقیه جامعه از زنان دفاع

نخواهند کرد، و گفتند نخست به بخش "ضعیف" جامعه حمله می‌کنیم و همان زمان کر دسته جمعی، حجاب مهم نیست شروع به نواختن کرد. ما زنانی که در خیابان بودیم

نخست مردان ریشو را با فحاشی‌هایی ریک در مقابل خود دیدیم، سپس مردان ریشو با چاقوهای تیز در دست و در انتها مردان ریشو با کلاشینکف آمدند. اعتراض ما رسماً شکست خورد.

حمله به کارگران، ترکمن صحرا و کردستان در ادامه این روند بود.

حجاب سالها است موضوع نبرد فکری و عملی بین جنبش آزادیخواهانه زنان و طرفداران اصلاحات در حکومت اسلامی است.

در داخل ایران ما با فعالان و یا نظریه پردازانی در مجادله فکری و عملی بودیم که سیاست‌شان منطبق بر سیاست دولت‌های غربی بود.

دولت‌های غربی گفتند حکومت اسلامی لایق مردم ایران است فقط کمی تندروی می‌کند که میتوان آن را اصلاح کرد... و ما در ایران با زنانی روبرو بودیم که می‌گفتند بلند پروازی نکنید سنگ بزرگ علامت

زدن است، نمی‌توان شعار سرنگونی حکومت را داد، فعلاً با آخوندها مذاکره می‌کنیم تا کمی نرمتر شوند. اسم این جنبش، جنبش ملی اسلامی بود که دورانی حرف اول را در رسانه‌های غربی میزد. یک بخش اینها در حاکمیت بود و بخش دیگر مشغول بزک کردن حکومت و یا نقد به تمامیت خواهی بخشی از

حکومت اسلامی جان باختند، عکس دخترانی که در تابوتها خوابانده شدند تا از عقاید خود دست بردارند، در این پارچه‌ها سکینه

محمدی آشتیانی‌ها و ریحانه جباری‌ها و لادن بیانی‌ها را می‌بینید، زنان و دخترانی که به دلیل قوانین زن ستیز اسلامی جان باختند، در آن پارچه‌ها، صدای گوش‌خراش آخوندها و مبلغین حکومت اسلامی از رسانه‌های رسمی آنها و نماز جمعه‌ها را بشنوید که روزانه به

ما زنان تعرض کرده و هر نوع بی‌حرمی را در مورد زنان با وقاحت انجام داده و به هیچ کس و هیچ نهادی پاسخگو نبودند.

اکنون جنبش برابری طلبانه و آزادیخواهانه زنان اعلام جرم می‌کند و کیفرخواست خود را در مقابل مردم دنیا اعلام می‌کند، ما این قوانین این سنتها و این اخلاقیات و همچنین این حکومت و شریعه اسلامی را بر چوب بسته و عملاً آن را ملغی اعلام می‌کنیم.

حجاب همواره یک موضوع جدل مهم بین زنان آزاده و حکومت زن

ستیز اسلامی بوده است بسیاری هم امروز و هم در گذشته گفته و نوشته‌اند حجاب مشکل اصلی زنان نیست، گفته و نوشته‌اند زنان مشکلات مهمتری دارند و همین‌ها امروز در بهترین حالت به حرکت دختران خیابان انقلاب کم لطفی میکنند.

نخبر! حجاب مهمترین معضل در رابطه بین جنبش اسلامی و حکومت اسلامی و زنان است. نگاه

کنسید به تاریخ روی کار آمدن هیولایی به اسم حکومت اسلامی ایران، داعش در ایران، حکومتی که بعد از یک انقلاب علیه دیکتاتوری

پهلوی روی کار آمد و اکنون دیگر همه می‌دانند اینها را که در حاشیه جامعه بودند، دول غربی و امریکا کمک کردند برای سرکوب و به شکست کشاندن انقلاب علیه حکومت پهلوی، تا جان بگیرند و حکومت تشکیل دهند. جمهوری اسلامی ایران نه در ۲۲ بهمن بلکه

در ایران انقلابی اجتماعی و زیر و روکننده در اعماق جامعه در جریان است. از اوایل سال ۲۰۱۸ همگان

در دنیا شاهد بودند که هزاران و هزاران نفر به خیابان آمده و فریاد نه به دیکتاتور و سرنگونی حکومت را دادند. این حرکت اعتراضی در حداقل صد شهر ایران اتفاق افتاد و در برخی شهرهای کوچک فوراً به حمله به مراکز حکومتی و یا مساجد و مراکز کار و فعالیت امام

جمعه‌ها تبدیل شد. عکس خامنه‌ای را در شهر کوچکی مثل ابهر فوراً پایین کشیدند و دنیا نظاره‌گر فوران خشم و اعتراض مردمی بود که دیگر حکومت را نمی‌پذیرند، شعار بسیار مهم این حرکت از نظر من این بود: اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه

تمومه ماجرا.

یک اتفاق مهم دیگر در جریان این اعتراضات افتاد، ویدا موحد

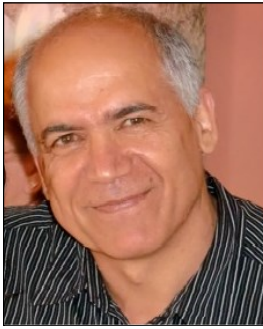
حجابش را بر یک چوب بست و آن را بر بالای یک سکو در آرامش و ابهت کامل به اهتزاز درآورد و دنیا توجه اش در عین حال به این حرکت سمبلیک جلب شد. ویدا موحد و نرگس حسینی و بعدها دهها و دهها دختر خیابان انقلاب، یک واقعه مهم را در ایران و در دنیا خلق کردند. بیخود نبود که عکس و ویدا به یک سمبل اعتراض به حجاب اجباری در دنیا تبدیل شد. این عکس مهم است و این سمبل تکان دهنده و تاریخی است چرا!

آن پارچه را که دختران خیابان انقلاب بر چوب کرده‌اند به دقت نگاه کنید، این پارچه آغشته به خون و جنایت و بی‌حرمی و قوانین زن ستیزانه است. در آن پارچه‌ها حک شده است که زن نیمه مرد است، حک شده است که زن حق طلاق ندارد،

سنگسار قانون آن مملکت است و اگر زن بخواهد در مورد کوچکترین بزرگترین مسائل زندگی تصمیم بگیرد، باید تابع تصمیم مذکرها باشد. در آن پارچه‌ها عکس صدها زن سنگسار شده و صدها دختر جوان را می‌بینید که در دفاع از حقوق و حرمت انسانی در سیاه چاله‌های

جمهوری اسلامی با حجاب آمد و بدون حجاب میرود

متن سخنرانی اصغر کریمی در مراسم گوتنبرگ سوئد به مناسبت ۸ مارس



سایه خدا و نقش تحمیق مذهب و تبعیضات مختلف در جامعه نیاز دارند، در نتیجه هیچوقت از آزادی کامل پوشش هم دفاع نکرده اند اما صرفنظر از اینکه چه هستند در این جدال سیاسی و فکری و نظری حضور محسوسی نداشته اند و در مورد دختران خیابان انقلاب هم دل خوشی نشان نداده اند. اما جنبش ملی اسلامی و جنبش کمونیسم کارگری دو قطب مهم این جدال بوده اند و همچنان هستند. و هر کدام تئوری ها، راهکارها، استراتژی و برنامه و خط مشی و چهره های خاص خود را دارند.

جنبش ملی اسلامی و شخصیت ها و نهادها می گفتند حجاب مساله اصلی در جامعه نیست. می گفتند باید دم آیت الله ها را دید، آیت الله صانعی مثلا تفسیر بهتری از اسلام راستین میدهد. گفتند اسلام با حقوق بشر تناقضی

همان روز اول در مقابل آن ایستاد. ۸ مارس ۵۷ نقطه شروع يك جنبش عظیم بود. و بدنبال آن این مبارزه بی وقته ادامه یافت. زنان در بعدی اجتماعی مقاومت کردند و بالاخره حجاب را بر سر چوب کردند و به باد دادند. دختران خیابان انقلاب مقابله با حجاب و بی حقوقی زن را به اوج خود رساندند.

جدال حول مساله حجاب در عرصه سیاست و قانون و در عرصه نظری و تئوریک هم جریان داشت. ما از سه جنبش سیاسی و طبقاتی در ایران صحبت کرده ایم. این سه جنبش در عرصه حجاب هم وارد جدال شدند و هر کدام افق و برنامه و اهداف سیاسی متفاوتی در دستور گذاشتند.

جنبش ناسیونالیستی طرفدار دول غربی مشخصا منظوم سلطنت طلبان و جمهوری خواهان است، اینها که کلا برنامه و تئوری ندارند کار میدانی در این زمینه نمیکنند، جدال فکری در دستور کارشان نیست ولی بهر طرفدار آزادی حجابند و البته چون بطور ریشه ای علیه مذهب و بی حقوقی زن نیستند و به

بین دو تا ۳ میلیون زن مورد تذکر و جریمه و شلاق و زندان و غیره قرار گرفتند. یعنی مقاومت و مبارزه زنان در چنین ابعادی ادامه یافت. بطور واقعی جنگ و گریز بر سر حجاب بود. قانون بر سر حجاب بود. اسید و تیغ بر سر حجاب بود. فتواها و تبلیغات حول حجاب بود. ۲۶ ارگان دولتی برای تحمیل حجاب سازمان داده شده بود و در يك کلام حول حجاب بود که فضا قطبی شده بود. چرا؟ حجاب مگر چه جایگاهی داشت؟

حجاب بیرق و هویت و پرچم و ستون اسلامی سیاسی است. بدون حجاب حکومت از نوع اسلامی معنی ندارد. از جمهوری اسلامی تا طالبان و داعش و سایر رگه های اسلامی بدون استئنا چادر و مقنعه و بوق را باید بر سر زنان می کردند تا زن را از سایر حقوقش هم محروم کنند و نه تنها زنان بلکه با اینکار کل جامعه را هم میتوانستند از همه حقوقش محروم کنند. جمهوری اسلامی که آمد، طالبان هم آمد و همین سیاست را در پیش گرفت، داعش هم همینطور و البته انواع و اقسام بی حقوقی را به زنان تحمیل کردند. پیشقراول اینها جمهوری اسلامی بود. اگر جمهوری اسلامی نبود طالبان و داعش هم قدرت نمیگرفتند. بتدریج در طول این چهاردهه اسلام سیاسی در منطقه دست بالا پیدا کرد و هجوم بی سابقه علیه زنان گسترده تر شد و داعش، خباثت اسلامی را به اوج خود رساند. در تمام مناطقی که اسلام سیاسی دست بالا پیدا کرد زنان اولین قربانی آن بودند و حجاب مهمترین سنگر اسلام سیاسی بود و همچنان هست. حجاب لازم بود تا حق طلاق و حضانت هم گرفته شود، تا انواع تحقیرها و بی حقوقی های دیگر هم عملی شود، تا بیمه بیکاری و سایر حقوق اجتماعی هم از آنها دریغ شود چون کل استانداردهای جامعه را پایین میآورد. اما جمهوری اسلامی وصله ناجوری بر بیکر این جامعه بود و جامعه از

اما با تظاهرات وسیع زنان در تهران و برخی شهرستانها مواجه شد. با مقاومت دانشجویان و زنان کارمند مواجه شد. یکسال و نیم بعد از طرف رفسنجانی به بنی صدر دستور داده شد که ظرف ده روز جلو زنان بی حجاب را بگیرد. خمینی گفت زنان لخت سر کار میروند و این قابل تحمل نیست و او باش سازمان یافته حزب الله در خیابان با شعار یا روسری یا توسری و با جنایات هرروزه راه را برای حکومت و آیت الله ها هموار می کردند. بعدا به اماکن عمومی ابلاغ شد که از ورود زنان بی حجاب جلوگیری کنند در بسیاری اماکن عمومی تابلوهایی نصب شد که از پذیرش زنان بی حجاب معذوریم. اما در سال ۶۲ بود که به دستور و زیر نظر حسن روحانی حجاب در نیروهای مسلح با صدور ابلاغیه ای اجباری شد و سپس در ادارات و بالاخره مجلس اسلامی اولین قانون در مورد حجاب تصویب شد یعنی حدود ۵ سال پس از سر کار آمدن جمهوری اسلامی. این پنج سال پر است از اسیدپاشی و تیغ کشی به صورت و لب زنان، تبلیغات و فتواهای مستمر و شنیع علیه زنان، آنها را فاحشه خطاب کردن و زندانی کردن و اخراج و جریمه و شلاق و غیره. و اینطور حجاب اجباری شد. یعنی حتی پس از قتل عام های سال ۶۰ و ۶۱ هم هنوز نتوانسته بودند کاملا مقاومت زنان را درهم بشکنند و قانون وضع کنند. اما نهایتا در سال ۶۲ پس از قتل عام ها و سنگسار و تیغ و اسید و شلاق و قمه چخانی حزب الله اولین قانون در مورد حجاب در مجلس اسلامی تصویب شد. حجابی که هنوز نصفه نیمه بر سر زنان است تاریخی بشدن خونبار دارد.

اینبار زنان با تغییر فرم مانگو و تنگ کردن لباس و تغییر رنگ تیره به روشن و با بیرون انداختن تدریجی موی سر به مبارزه ادامه دادند. به همین دلیل حکومت اسلامی ۲۶ یا ۲۷ ارگان را برای تحمیل حجاب و جنگ با زنان اختصاص داد. سالی

بسیار خوشحالم که امروز به این مناسبت در خدمت شما هستم و بسیار خوشحالم که جنبش رهایی زن در آستانه هشت مارس قدمی بسیار مهم و قدرتمند به جلو برداشته است. دختران خیابان انقلاب را میگویم. این یکی از شکوهمندترین، قوی ترین، اجتماعی ترین، سیاسی ترین و موثرترین حرکت های تاریخ معاصر است. حرکتی که از ویدا موحد شروع شد و مثل کل جنبش انقلابی که از مشهد شروع شد و بلافاصله به سراسر کشور رسید، پدیده دختران خیابان انقلاب هم از تهران شروع شد و امروز شاهدیم که در اقصا نقاط کشور از مشهد و اصفهان و شیراز و سنندج و بانه و مریوان و غیره در حرکت است و مهر خود را به هشت مارس امسال کوبید.

جمهوری اسلامی با شعار یا روسری یا توسری و فتوای خمینی در مورد حجاب سر کار آمد و هشت مارس ۵۷ اولین رویارویی زنان و جامعه با خمینی و جمهوری اسلامی بود. و هشت مارس امسال پس از ۳۹ سال بار دیگر مساله حجاب به کشمکش مهم در جامعه تبدیل شده است. با این تفاوت که ۳۹ سال قبل دوره عروج جمهوری اسلامی و عقب راندن زنان و بود و الان دوره جلو آمدن زنان و مردم و عقب راندن جمهوری اسلامی. دختران خیابان انقلاب به میدان میایند که نه تنها حجاب که به کل حکومت حجاب پایان دهند. جمهوری اسلامی با حجاب آمد و بدون حجاب میرود. حقیقت مهمی در این جمله نهفته است.

اما در فاصله بین ۸ مارس ۵۷ تا ۸ مارس ۹۶ اتفاقات مهمی افتاد. اجازه بدهید در وقت کوتاهی که دارم خیلی فشرده این ۳۹ سال را مرور کنم.

اولین مساله این است که پنج سال طول کشید که حجاب اجباری به قانون تبدیل شد. خمینی يك روز قبل از ۸ مارس ۵۷ گفت قوانین اسلامی و حجاب باید رعایت شود

۸ مارس روز جهانی زن
زنده باد انقلاب زنانه ایران

مادختران خیابان انقلاب
نه به حجاب. نه به جمهوری اسلامی

Women revolution
انقلاب زنانه

ندارد. اینرا شیرین عبادی گفت. مردم را تشویق کردند به خاتمی رای بدهند. در مقابل ما گفتند سنگ بزرگ علامت نزدن است. اینرا خانم نوشین احمدی خراسانی گفت. واقعیت این است که اینها نمیخواستند علیه کل حکومت بایستند. با آن یا بخشی از آن هم جنبش بودند احساس خویشتاوندی داشتند. به همین دلیل حجاب خط قرمز آنها هم بود. عدم مقابله با حجاب و به اشکال مختلف توجیه آن تاکتیک شان نبود استراتژی شان بود. ما را هم بخوبی میشناختند و با نفرت عمیقی که کل جنبش ملی اسلامی از ما دارد سعی میکردند همه جا با ما درافتند و جلو پیشروی ما را سد کنند.

دول غربی و نسبیت فرهنگی چی ها هم با اینها بودند. میگفتند حجاب و سنگسار و موقعیت زن فرهنگ خود مردم است باید به آن احترام گذاشت. هنوز هم احترام میگذارند و مقامات ماده شان که به ایران میروند جلو روحانی و خانمی تا زانو خم میشوند. چپ ضد امپریالیست در غرب هم با اینها بود. میگفت باید به سنت های مردم احترام گذاشت، حجاب ضد امپریالیستی است نباید با آن درافتاد. چپ سنتی در ایران هم همین را میگفت. و توجیه میکرد که این مشغله اساسی زنان نیست. مشغله شمال شهری ها است. مساله کارگر نیست. کارگر در سیستم آنها يك صنف است، موجودی اجتماعی نیست، قرار نیست پرچم رهایی کل جامعه را بلند کند و به رهبر کل جامعه علیه جمهوری اسلامی تبدیل شود. اینرا قبول ندارند که بیحقوقی زن و حجاب ستم به کارگر هم هست و بیشتر از هر کس دودش به چشم او میروند. مبارزه علیه حجاب عرصه ای از مبارزه طبقاتی نیست! علیه سرمایه داری حاکم و دولتش نیست! الان هم میگویند دختران خیابان انقلاب اقشار طبقه متوسط هستند. کلا در تفکر آنها

حجاب موضوعی حاشیه ای است و در واقع عملا و نظرا در کنار جنبش ملی اسلامی قرار میگیرند. و ما گفتیم حجاب هویت و پرچم حکومت است. با حجاب است که جنبش اسلامی و حکومت اسلامی معنی پیدا میکند. با تحمیل حجاب، کل جامعه و استنادها و توقعات و انتظارات جامعه را عقب میبرد و در زمینه اقتصادی هم به سهولت بسیار بیشتر طبقه کارگر و بویژه زنان کارگر را از هر حق اقتصادی هم محروم میکند. گفتیم مبارزه با حجاب مهمترین سنگر مبارزه در عرصه جنبش رهایی زن است و در افتادن با آن در افتادن با کل حکومت و سرمایه داری اسلامی حاکم است. يك عرصه مهم و مستقیم مبارزه طبقاتی است. بخشی از جدال با اسلام و جنبش ضد مذهبی است. مهین علیپور سالها قبل آنرا طی نمایشی در استکهلم حجاب را به آتش کشید. این بسیار سمبلیک بود. گفتیم حجاب کودک باید ممنوع شود. این انتخاب کودک نیست و نباید آنرا به کودک تحمیل کرد. کودک اموال کسی نیست حقوقی دارد و این حقوق جهانشمول است. کودک قدرت انتخاب ندارد و نه دولت و نه پدر و مادر نمیتوانند حجابی باو کنند. هم در ایران و هم در غرب علیه قوانین و توجیهات ارتجاعی نسبیت فرهنگی ها واقعا جنگیدیم. هما ارجمند قانون شریعه در کانادا را برانداخت. مریم نمازی در انگلیس جدال سنگینی علیه اسلام سیاسی و حجاب و قوانین شریعه به راه انداخت، مینا احدی در عرصه سنگسار جمهوری اسلامی را تسلیم کرد، و جدال هرروزه و همه جانبه ای با دولت و احزاب و جریانات به اصطلاح ضد امپریالیست و جریانات اسلامی به پیش برد. شیرین شمس نهاد انقلاب زنانه را به راه انداخت که به سکویی برای مبارزه علیه حجاب و بیحقوقی زن تبدیل شد. در سوئد رفقای ما قوانینی را به

نفع زنان و کودکان در محیط های اسلامی عوض کردند. اینها چهره های واقعی مقابله با حجاب و اسلام سیاسی هستند. بگذار رسانه های سوئد و انگلیس و آلمان و غیره هنوز دختر هاشمی رفسنجانی را بعنوان یکی از شخصیت های طرفدار آزادی حجاب معرفی کنند. دختران خیابان انقلاب افشاگر این رسانه ها و دول مرتجع غرب هم هستند.

در مقابل فمینیسم دست راستی امروز گفتیم زن قبل از هرچیز يك انسان است نه يك صنف. با تابوهای مختلف در زمینه روابط جنسی و زناشویی در افتادیم. جواب ملی اسلامی ها را دادیم. به زنان جرات دادیم. تلاش هر روزه کردیم تا توجیهات ملی اسلامی، جنبش عظیم آزادی زن را بی افق و تضعیف کند. برنامه روشنی نوشتیم و سنگر به سنگر برایش جنگیدیم.

میخواهم بگویم اگر حجاب موضوع مهمی بود جدال سنگین و طبقاتی و هرروزه ای هم در عرصه های مختلف سیاسی، نظری، برنامه ای و غیره حول آن جریان داشت و همچنان جریان دارد. ما کار زیادی در همه این عرصه ها کردیم. ضعف ما این است که این تاریخ را همه جانبه مکتوب نکردیم. فیلم و کلیپ نکردیم باید اینکار را بکنیم. باید تاریخ جدال حول مساله حجاب را مکتوب و ملون کنیم.

صحبتم را فشرده کنم. انقلاب در ایران زنانه است. یعنی يك وجه بسیار مهم زنانه دارد یعنی مهر زنانه دارد یعنی زنان در صف اول این مبارزه اند. از ۵۷ تا امروز بوده اند. در ۸۸ در صف اول مبارزه بودند. در خیزش دیمه همینطور. در دانشگاهها و علیه جداسازی ها همینطور. هزینه بسیار سنگینی هم دادند. اما جامعه را جلو بردند و ضربه سنگینی به جمهوری اسلامی و کل اسلام سیاسی زدند. باید تاریخ خونبار حجاب در ایران و در منطقه حاکمیت طالبان و داعش را يك لحظه در نظر بیآوریم تا ببینیم

دختران خیابان انقلاب واقعا چه جایگاه درخشانی دارند و کارشان چقدر اهمیت دارد. بنظر من پدیده دختران خیابان انقلاب را باید یکی از شکوهمندترین اتفاقات سیاسی در قرن بیست و يك به شمار آورد.

دختران خیابان انقلاب به زنان اعتماد به نفس بیشتری دادند. جنبش انقلابی مردم را يك قدم مهم جلو بردند. به خواست جامعه که رهایی از شر حکومت مذهبی و کوتاه کردن دست مذهب از زندگی مردم است روشنی و شفافیت بیشتری دادند. مبارزه را متعین تر کردند. خیزش دیمه هر دو جناح حکومت را نشانه گرفت و هیچ رگه ای از اصلاح طلبی با خود نداشت. دختران خیابان انقلاب آخرین میخ تابوت ملی اسلامی را کوبیدند. جواب همه تخم و ترکه های اسلامی را هم که داعیه قدرت دارند دادند. جای توجیهی برای خانم نوشین احمدی و شیرین عبادی هم باقی نگذاشتند. در عوض دست حزب کمونیست کارگری را پرت کردند و حقانیت مواضع سیاسی و نظری و برنامه ای ما را توده ای تر کردند.

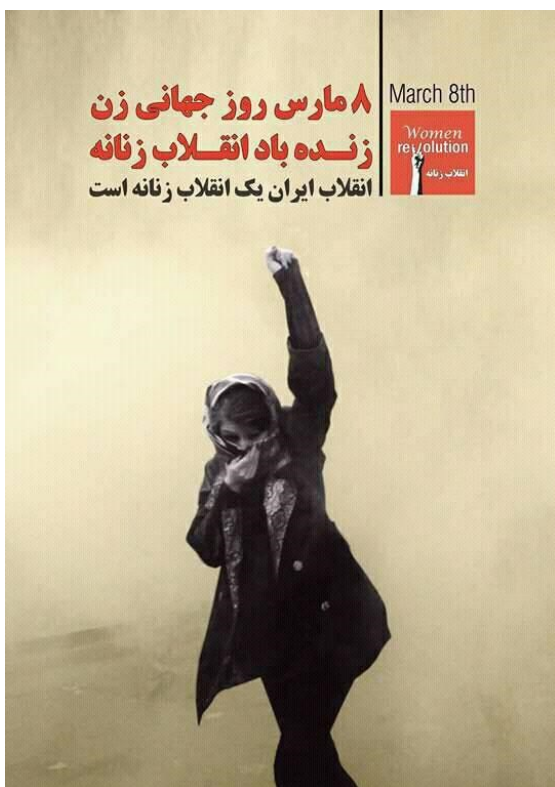
با این حرکت مردم ایران میتوانند سرشان را از همیشه بالاتر بگیرند. جنبش ضد مذهبی قدم بزرگی به جلو رفت و حزب کمونیست کارگری نیز طبیعی است که خود را قوی تر احساس ببیند.

در مقابل شجاعت و جسارت دختران خیابان انقلاب، در مقابل تصمیم سیاسی و کارساز و هوشمندانه آنها باید سر تعظیم فرود آورد.

جنبش آزادی زن در ایران که دختران خیابان انقلاب در صف مقدم آن قرار گرفتند، يك ستون عظیم و شکست ناپذیر انقلاب مردم نه برای به زانو درآوردن جمهوری اسلامی بلکه همچنین يك ستون آزادیخواهی و برابری طلبی، علیه تبعیض و نابرابری، بیحقوقی و ظلم و ستم به جامعه است. این جنبشی است علیه بساط مذهب و عقب ماندگی، علیه اخلاقیات واپس گرا و سنتی و مذهبی و علیه کل اسلام سیاسی. جنبش رهایی زن و جنبش گسترده و عمیقی که علیه مذهب جریان دارد دو رکن مبارزه علیه کل وضع موجود است که همراه با جنبش کارگری سه رکن اساسی انقلاب در ایران را تشکیل میدهند. باید با تمام قوا آنرا تقویت کرد.

زننده باد دختران خیابان انقلاب
زننده باد هشت مارس
زننده باد انقلاب آزادیخواهانه مردم ایران

متن پیاده شده سخنرانی در مراسم هشت مارس در شهر گوتنبرگ سوئد - ۳ مارس ۲۰۱۸



حکومت ضد زن سر نگون سر نگون
زننده باد ۸ مارس

کارگران در هفته ای که گذشت

شهلا دانشفر



که دیگر دوران مرعوب شدن کارگران در برابر سرکوبگری های حکومت گذشته است و کارگران با قدرت ایستاده اند.

خواست کارگران گروه ملی فولاد اهواز اکنون منع تعقیب قضایی ۹ کارگر بازداشتی این کارخانه و محاکمه همه آمرین و عاملین بازداشت و تشکیل پرونده قضائی برای آنان است.

شعارهای اعتراضی کارگران گروه فولاد ملی اهواز از جمله شعارهایی چون کارگر زندانی آزاد باید گردد، "دزدا بیرون، کارگران زندون"، "می ایستیم، می میریم، حقمون رو می گیریم"، "ما کارگریم، نون می خوایم، دوا و درمون می خوایم"، مرگ بر موسوی، کارگر زندانی، حمایت میکنیم، نیروی انتظامی به هوش باش، ما کارگریم نه اوپاش، حساب ها پر نشه، اهواز قیامت میشه، مرگ بر ستمگر، درود بر کارگر، توپ، تانک، فشفشه، حساب باید پر بشه، استنادار بی عرضه نمیخواهیم، نمیخواهیم، حقوق کارگر را نمیدن، میرن هتل میخرن، عرضه کار ندارید، پست را کنار بزارید، سفره ما خالیه، ظلم و ستم کافیه؛ نه تهدید نه زندان دیگه فایده نداره؛ عمق اعتراض این کارگران را علیه فقر، علیه تبعیض و نابرابری، علیه کل سیستم قضایی و بساط سرکوب و دزدسالار حکومت و علیه جهنمی که جمهوری اسلامی به پا کرده است، به روشنی بیان میکنند.

خواستهای فوری کارگران گروه ملی اهواز عبارتست از: پرداخت یکجا و کامل حقوق ماههای دی، بهمن، تعیین تکلیف چگونگی پرداخت حقوق اسفند ماه و عیدی و پاداش، پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی، برقراری بیمه تکمیلی پرسنل و ساماندهی و برقراری مجدد سرویسهای ایاب و ذهاب.

همانطور که کارگران گروه ملی فولاد اهواز اعلام کرده اند، نباید اجازه دهیم که این سرکوبگریها بر روی مبارزات ما برای خواستهای

با مبارزات قدرتمندشان توانستند در روز گذشته ۹ همکار بازداشتی خود را آزاد کنند، امروز به خیابان آمده اند تا دستمزدهای به سرقت رفته شان را نقد کنند. کارگران شعار میدهند، توپ، تانگ، فشفشه، حساب باید پر بشه، می ایستیم، می میریم حقمون را میگیریم.

روز قبل از آن کارگران گروه ملی فولاد اهواز در ادامه اعتراضات قدرتمند چند روزه اخیرشان همراه با خانواده هایشان با تجمع در مقابل استانداری و با کف زدن و شعار نه تهدید، نه زندان، دیگر فایده ندارد، در مقابل سرکوبگری های حکومت اسلامی ایستادند و موفق به آزادی همکاران بازداشتی خود شدند. تعداد این کارگران ۹ نفر بود که یکی از آنان روز شنبه ۱۲ اسفند آزاد شده بود. اسامی کارگرانی که بازداشت شده بودند عبارتند از: فرهاد اکبریان - مرتضی اکبریان - میثم علی قنوتی - امین مؤمن پور - حسین نیسی - باقردلفی - تقی حسن زاده - هادی عفاوی - مهلی عادل زاده. آزادی کارگری بازداشتی گروه فولاد ملی اهواز را به این کارگران، به خانواده هایشان، به کارگران این کارخانه و به همگان تبریک میگویم.

گفتنی است که علاوه بر آزادی کارگران دستگیر شده، در پی تجمع این روز در مقابل استانداری فرماندار اهواز به همراه فرمانده نیروی انتظامی شهر که هوا را پس دیده بودند، در جمع کارگران حاضر شدند و طی سخنانی اعلام کردند که در روزهای آینده مطالبات آنان پرداخت خواهد شد و با این وعده ها خواهان توقف اعتصاب و تجمعات اعتراضی آنها شدند. اما کارگران بطور متحدانه و یکصدائی اعلام کردند تا زمان پرداخت مطالبات خود ادامه خواهند داد.

آنچه در جریان اعتراضات دو هفته اخیر کارگران گروه ملی فولاد اهواز و اعتراضات قدرتمند کارگری دیگری چون اعتراضات کارگران هفت تپه، هپکو، آذرآب و صدها مورد دیگر به روشنی نشان میدهد

اعتراضات کارگری گسترده است. اما سه نمونه برجسته اش که در روزها و هفته های اخیر اعتراضات ادامه اعتراضات قدرتمند کارگران گروه ملی فولاد، اعتصابات متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه و تجمع کارگران هپکو اراک و سردادن دوباره سرود زیر بار ستم نمی کنیم زندگی از سوی این کارگران و اینبار در تهران است. نگاهی به فضای همین سه خبر به روشنی نشانگر کیفیت جدید مبارزات کارگری در متن خیزش انقلابی مردم است. در این اعتراضات کارگران در برابر قلدری کارفرمایان و دولت برای نقد کردن دستمزدهای به سرقت رفته شان خود وارد عمل مستقیم شده و در جایی چون نیشکر هفت تپه کوره کارخانه را خاموش میکنند و مانع خروج شکر از کارخانه میشوند. در برابر دستگیریها قاطعانه ایستاده و اولتیماتوم میدهند و با شعارهایی چون هشم میگن آمریکاست، دشمن ما همین جاست، مرگ بر آمریکا گشتن های رژیم را به خودش برگردانده و مستقیما کل حکومت را به چالش میکشند. و بالاخره يك اتفاق مهم دیگر در جنبش کارگری جنبش علیه زندگی زیر خط فقر و برای خواست حداقل دستمزد ۵ میلیون است. تا کنون ۹ تشکیل کارگری و محافلی از کارگران در جنوب و در تهران و بازنشستگان با قطعنامه سوم اسفند خود به این حرکت پیوستند و این کارزار ادامه دارد. يك اتفاق مهم در این هفته بیانیه ۵۳ انجمن صنفی کارگران ساختمانی است که طی بیانیه ای خواستار افزایش دستمزدها به بالای خط فقر شدند.

اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز آینه ای از فضای اعتراض در جامعه

روز ۱۶ اسفند برای پانزدهمین روز کارگران گروه ملی فولاد در مقابل استانداری جمع شدند و پیگیر طلب هایشان شدند. این کارگران که

میشوند بیایند در جمع کارگران پاسخگو شوند و همین جا تصمیم گیری میشود و این مهم است. روز ۱۶ اسفند نیز کارگران نیشکر هفت تپه تجمع داشتند و در این روز رستمی یکی از سهامداران شرکت به همراه تعدادی از نیروی انتظامی در میان کارگران حاضر شد و شروع به توجیه وضعیت کرد. او در سخنانش با اشاره به ۱۹۰ روز اعتصاب در نیشکر هفت نشان داد که این اعتراضات تا چه حد بر آنها فشار وارد کرده است. رستمی از این گفت که وقتی روی کار آمده، کارگران هفت ماه دستمزد پرداخت نشده داشته اند و تلاش کرده به درد کارگران برسد. بعد هم شروع به دادن وعده و وعید کرد، اما کارگران با فریاد دروغه، دروغه و مرگ بر رستمی به او پاسخ دادند. سپس اسماعیل بخشی نماینده کارگران جلو رفت و گفت رستمی دروغ میگوید، ما آنموقع هم بودیم و طلب ما یکماه دستمزد بود و ما خواستار پرداخت بموقع دستمزدها بودیم. بنا بر خبرهای منتشر شده از سوی اتحادیه آزاد کارگران ایران رستمی که در پی ایجاد تفرقه در بین کارگران بود در میان سخنرانی اش کرامت پام یکی از نمایندگان کارگران را آماج اتهامات خود قرار داده و دست روی او بلند کرد و این کار وی خشم کارگران را برانگیخت. در پی این وضعیت کارگران با سنگ پرانی به او حمله کردند. نیروی انتظامی که شاهد خشم کارگران بود، نظاره گر اوضاع بود. در این رستمی و تعدادی از کارگران زخمی شدند.

همچنین در این روز در پی تداوم اعتصاب و تجمع اعتراضی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، تعدادی زیادی از کارگران از جمله حسن ال کثیر، امیر ال کثیر، مجید امیری، و

برحمان سایه بیندازد. با اتکا به همین نیروی اعتراضی قدرتمند مبارزاتمان نه تنها باید در مقابل سرکوب رژیم ایستاد. نه تنها باید دستمزدهای به سرقت رفته مان را نقد کنیم. بلکه باید وسیعا به جنبش اعتراضی علیه دستمزدهای زیر خط فقر و حقوق های نجومی و خواست افزایش دستمزدها ۵ میلیون بیوندیم و اعتراض خود را علیه زندگی فقر و جهنم جمهوری اسلامی اعلام کنیم.

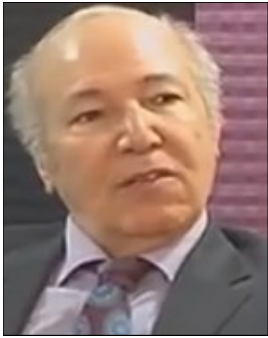
جمهوری اسلامی در حالیکه در محاصره موجی از اعتراضات قدرتمند کارگری قرار دارد، با حمله به کارگران گروه ملی فولاد اهواز، زورآزمایی کرد. کارگران فولاد با ایستادگی قدرتمندشان، با مارش با شکوهشان در خیابانهای اهواز همراه با خانواده هایشان پاسخ محکمی به حکومت اسلامی دادند. وسیعا از اعتراضات کارگران گروه ملی فولاد اهواز حمایت کنیم.

اعتصاب قدرتمند کارگران نیشکر هفت تپه وارد پنجمین روز خود شد

روز ۱۷ اسفند کارگران نیشکر هفت تپه در پنجمین روز اعتصاب متحدانه خود برای پیگیری خواستهایشان در محوطه شرکت تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی اسماعیل بخشی نماینده کارگران در جمع آنها صحبت کرد و گفت حرفهای من، حرفهای ۵ هزار کارگر این کارخانه است و همانجا بر ادامه اعتراضات برای تحقق خواستهایشان از جمله پرداخت طلبهای کارگران و تبدیل قرار دادها تاکید کرد. او همچنین در مورد اتحاد کارگران و مکان اجتماعاتشان در تصمیم گیری های کارگری توضیحاتی داد و گفت ما کاری کرده ایم که مسئولین شرکت مجبور

شمارش معکوس برای مرتضوی

کاظم نیکخواه



بظور واقعی مساله سعید مرتضوی چند سال است به معضلی جلی برای حکومت اسلامی تبدیل شده است. چرا که پرونده سعید مرتضوی در واقع پرونده جمهوری اسلامی و شخص خامنه ای است. سعید مرتضوی چندین پرونده دارد. یکی پرونده جنایات و کشتار فجیع در کهریزک است. دیگری پرونده قتل و شکنجه زهرا کاظمی است. و سومی پرونده دزدی های میلیاردری در سازمان تامین اجتماعی. همه اینها با آگاهی سران جمهوری اسلامی و تایید شخص خامنه ای صورت گرفته است. اینکه نام مرتضوی بر سر زبانها افتاده و اینکه به جرمهایی که در جمهوری اسلامی جرم نیست مدام برایش پرونده درست میکنند و مردم نفرت خود را بیش از هم نثار او میکنند، يك مقداری از سر برداشتنی این موجود خبیث است و يك مقداری هم دعوایهای درونی حکومت و دیگری تعرضی شدن فضای جامعه است که این جانوران خبیث را زیر فشار قرار داده است.

جنایات سعید مرتضوی از این ها که اکنون در پرونده اش ثبت شده بسیار بیشتر است. بویژه در جریان

"شمارش معکوس برای مرتضوی" تیتراژ هفته روزنامه شرق در مورد سعید مرتضوی دادستان سابق جمهوری اسلامی است. سعید مرتضوی بعد از رفت و برگشتهای بسیار و اظهار ندامت کردن، به دوسال زندان بخاطر قتل محسن روح الامینی محکوم شده و این حکم لازم الاجراست. در واقع بخاطر بانفوذ بودن خانواده مقتول مرتضوی تاکنون نتوانسته مثل جنایات دیگرش از زیر این حکم فرار کند. بنابراین مرتضوی این روزها باید راهی زندان شود و این دوسال را در زندان بگذرانند. (شاکیبیان خصوصی با نفوذ احتمالاً باعث میشوند که مقامات زندان بسادگی نتوانند برای مرتضوی پارتی بازی کنند). يك مشکل دیگر مرتضوی اینست که این روزها علی یونسی وزیر اطلاعات جمهوری اسلامی دوره خاتمی به دلایلی لب به سخن گشود و اعتراف کرد که قتل زهرا کاظمی کار سعید مرتضوی بوده است. این هم بنا به گفته وکیل زهرا کاظمی باعث شده است که با وجود اینکه سالها از این جنایت میگذرد، پرونده این جنایت مرتضوی نیز مجدداً گشوده شود.

متحد این کارگران همراه با خانواده هایشان نیروی بزرگی است که به مبارزات کارگران قدرت بزرگی خواهد داد.

اعتراضات کارگران هپکو از سر گرفته شد

روز ۱۳ اسفند کارگران هپکو در ایران در اعتراض به بلاتکلیفی شغلی و معیشتی خود و وعده های توخالی مقامات دولت و استان مقابل ساختمان خصوصی سازی در تهران جمع شدند و بار دیگر با شعار زیر بار ستم نمیکنیم، جان فدا میکنیم در ره آزادی، وای از این وضع، وای از این وضع، سرود آزادی سر دادند و کل بساط ستم و سرکوب سرمایه داری حاکم را به چالش کشیدند. کارگران هپکو در این روز همچنین با شعارهای طعنه آمیزی چون "کارگر بیچاره، اعدام باید گردد، مفسد اقتصادی، آزاد باید گردد"، مرگ بر کارگر، درود بر ستمگر، فقط میکن آمریکاست، دشمن ما همینجاست، اعتراض خود را قوانین ضد کارگری جمهوری اسلامی، دستگاه قضایی و کل بساط دزدسالار سرمایه داری حاکم اعلام داشتند. کارگران هپکو اعتراضات گسترده ای بر سر وضعیت نابسامان شغلی و به سرعت رفتن دستمزدهایشان داشته اند. اعتراضات این کارگران با شعارهایشان و با اتحاد و همبستگی شان، از جمله پیشروی های جنبش کارگری است. با به تعطیلی کشیده شدن این کارخانه کارگران شغل خود را از دست داده و زندگی و معیشتشان در خطر است. اعتراضات این کارگران ادامه دارد.

۸ نفر دیگر از کارگران از طریق تماس تلفنی به اداره اطلاعات شوش احضار گردیدند. پیش تر نیز اسماعیل بخشی، کرامت پام، رمضان علیپور و رحیم بسحاق از فعالین کارگری و اعضای سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه نیز به شعبه سوم دادگستری شوش احضار شده اند. در برابر این تهدیدات کارگران نیشکر هفت تپه با اعتصاب قدرتمند و یکپارچه و مستحدمانه خود ایستاده اند و خواستهایشان را طلب میکنند.

گفتنی است که بنا بر برخی از خبرها در پی تداوم اعتراضات کارگری در شرکت نیشکر هفت تپه و اختلافات میان سهامداران شرکت، بسیاری از مدیران این مجتمع بزرگ کشت و صنعت در حال استعفا هستند و تصویر استعفا درخشانی مدیر کارخانه در بین کارگران پخش شده است.

کارگران هفت تپه خواستهایشان را در ۱۴ بند اعلام کرده اند که در آن بر پرداخت فوری طلبهایشان و افزایش بخشی از دریافتی ها و روشن شدن وضع قرار داده هایشان تاکید شده است.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه حقوق ماههای دی و بهمن خود را دریافت نکرده اند و خبری هم از پرداخت حقوق اسفند و عیدی و پاداش کارگران نیست. بعلاوه دیگر خواستهای آنها بی جواب مانده است. کارگران نیشکر هفت تپه اعلام کرده اند که تا وقتی پاسخ نگیرند به اعتصاب خود ادامه خواهند داد. به گفته رستمی هم اکنون ۶۸۰۰ نفر در مجتمع نیشکر هفت تپه اشتغال دارند. مبارزات

لیست کمکهای مالی به حزب

علی یتویوری	۵۰۰۰	حسن ج.	۱۰۰
ودا استکهلم	۴۰۰۰	سعید	۱۲۰۰
سعید	۵۰۰۰	رادمنش	۱۰۰۰
امید امیلوار	۱۲۰۰	توج	۱۰۰۰

حجاب تحمیلی و هر گونه جداسازی جنسیتی باید فوراً ملغی شود و آزادی پوشش برقرار گردد. کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان باید فوراً لغو شود و حقوق برابر زن و مرد در همه زمینه ها اعلام شود.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party Of Iran

Yahsat
کانال جدید
KANAL JADID

پلازما سون عمودی	فرکانس ۱۲۵۹۴
اف ای سی ۲/۳	سیمبل ریت ۲۷۰۰

تراکت های حزب
کمونیست کارگری ایران
را تکثیر و وسیعاً پخش کنید
www.wpiran.org
به حزب کمونیست
کارگری ایران پیوندید

بخشی از بیانیه های ۸ مارس

هشت مارس امسال در بلندی سکوی دختران انقلاب!

امسال تاریخ هشت مارس به قامت استوار دختران انقلاب مزین شد و توانست مبارزات زنان در اسفند ۵۷ علیه حجاب اجباری را به مبارزه پر صلابت دختران خیابان انقلاب وصل کند.

مبارزه ای که زندان و شکنجه و اسید و پوستر توانست عزم راسخ زنان را، در طی چندین دهه، برای داشتن هویت انسانی در هم بشکند. هشت مارس دختران خیابان انقلاب میتواند سر آغاز پیوند مبارزات نوین رهایی زنان در سراسر دنیا باشد.

از همین روی همگام با دختران انقلاب بانگ بر میاوریم:

۱- تبعیض علیه زنان در تمامی قوانین حقوقی سیاسی، اجتماعی، قضایی، شغلی و تحصیلی رفع شود.

۲- ممنوعیت ورود زنان به استادیوم لغو شده و زنان بتوانند در تمامی رشته های ورزشی فعالیت داشته باشند.

۳- امنیت زنان در برابر هرگونه خشونت و تعرض و تجاوز در محیط های کار و خیابان و در چهارچوب خانواده، تضمین شود و علیه متعرضین به زنان در تمامی اشکال جسمی، روحی و کلامی اعلام جرم شود و قربانیان تجاوز و خشونت های خانگی و اجتماعی مورد حمایت های قانونی قرار گیرند.

۴- خشونت علیه زنان از آزار و اذیت ها تا قتل های ناموسی جرم تلقی شده و ختنه زنان ممنوع شود.

۵- حجاب اجباری لغو گردد و بی حرمتی و خشونت قانونی به زنان در خیابان تحت عناوین طرح های عفاف و حجاب که دستمایه انواع خشونت به زنان میشود، متوقف شود و همه معترضان به حجاب اجباری و دختران خیابان انقلاب فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

۶- برای حفظ حرمت و شان انسانی زنان و جلوگیری از رشد روز افزون آمار زنانی که به واسطه فقر و

نداشتن حمایت های اجتماعی به گرداب مافیای تن فروشی و قاچاق می افتند و به تمام زنان بیکار حقوق بیکاری پرداخت شود.

۷- تبعیض و تفکیک جنسیتی در موقعیت های شغلی و تحصیلی لغو گردد و زنان از مزد برابر آزی کار برابر با مردان برخوردار باشند و حداقل دستمزد به ۵ میلیون تومان افزایش یابد.

۸- زنان باید از حق طلاق و حضانت فرزندان و سفر و اختیار شغل و باقی حقوق فردی برابر با مردان برخوردار باشند و ازدواج کودکان ممنوع اعلام شود.

۹- زنان باید از هویت شهروندی برابر با مردان برخوردار باشند تا بتوانند برای فرزندان خود ثبت هویت کرده و شناسنامه دریافت کنند.

۱۰- تمامی زنان فاقد بیمه های درمانی باید از بیمه رایگان برخوردار شوند و بتوانند فرزندانشان را تحت پوشش بیمه خود قرار دهند. هشت مارس نه فقط بانگ رهایی زنان که در واقع نوید رهایی انسان از قید تبعیض و نابرابری است و همه انسانها را فرامیخواند برای ساختن دنیایی بر اساس اختیار انسان، مبارزه کنند!

زنده باد هشت مارس

زنده باد دختران خیابان انقلاب

زنده باد برابری زن و مرد

ندای زنان ایران

اسفند ۹۶

بیانیه اتحادیه آزاد کارگران ایران به مناسبت ۸ مارس روز جهانی زن

امسال ۸ مارس روز جهانی زن، در حالی فرا رسید که زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب از ماهها پیش با اعتراضات خیابانی در بسیاری از شهرهای کشور، خواهان رفع تبعیض جنسیتی و برچیده شدن حجاب اجباری شده و علیرغم سرکوب خشن، این اعتراضات متوقف نشد و امروز به مناسبت ۸ مارس در یک اقدام مهم و تعیین کننده، برای اولین بار پس از دهه ها

سرکوب و تحمیل نابرابری و تبعیض به نیمی از جمعیت کشور، زنان و مردان بسیاری با فراخوان قبلی اقدام به تجمع در مقابل وزارت کار کردند. تحولات چند ماهه گذشته و ظهور دختران خیابان انقلاب و در پی این مبارزات شورانگیز، حضور زنان و مردان آزادیخواه و برابری طلب در مقابل وزارت کار علیرغم پیش بینی سرکوب و بازداشت های گسترده، یک نقطه عطف در مبارزات زنان ایران برای دستیابی به حقوقی برابر با مردان است که دیگر هیچ درجه از اختناق و نیروی سرکوبی یاری عقب راندن آنرا نخواهد داشت.

زنان ایران دیگر نه تنها لحظه ای حاضر به تن دادن به تبعیض جنسیتی نیستند بلکه پیشتر از همه ی مبارزات عدالت طلبانه و آزادیخواهانه ای هستند که در جای جای کشور جار است.

آنان به عنوان نیمی از جمعیت کشور در پیشاپیش صفوف مبارزات کارگران، معلمان، دانشجوگان و دیگر اقشار مردم ستم دیده ایران قرار دارند و با شرکت گسترده و جسورانه در خیزشهای مردمی در حال ایفای نقشی تعیین کننده و تاریخی در تحولات سیاسی اجتماعی کشور هستند.

زنان نیمه انسان نیستند، آنان انسانند و به همین اعتبار، جنبش زنان از تعیین کننده ترین جنبشهای اجتماعی در تحولات تاریخی پیشروی کشور است. این جنبش یک جنبش میلیونی است و پیوندی عمیق با رهایی انسان دارد، از همین رو هم است که جنبش زنان در هر دوره ای در تاریخ معاصر پیوندی همیشگی و ناگسستنی با جنبش کارگری و افق و آرمانهای آن داشته است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران خود را بخشی از جنبش خلاصی از تبعیض جنسیتی و هر گونه نابرابری در زندگی اجتماعی انسانها میدانند و بدینوسیله با محکوم کردن یورش به زنان و مردان عدالت طلب و آزادیخواه در مقابل وزارت کار، خواهان آزادی فوری و بی قید شرط

همه دستگیر شده ها در مقابل این وزارتخانه، لغو احکام صادره علیه دختران خیابان انقلاب، منع تعقیب قضائی آنان و پایان دادن به تمامی تبعیض هایی است که طی چهار دهه گذشته به زنان ایران تحمیل شده است.

زنده باد ۸ مارس روز جهانی زن

گرامیداشت روز بزرگ ۸ مارس

در هر شرایطی که هستیم با تمام توانمان و با دستانی به هم گره خورده تلاش کرده ایم که چون همیشه روز جهانی زن را در کنار همه زنان جهان به جشن بنشینیم. در زیر انواع و اقسام بند و زنجیرهای قانونی و غیر آن، گرد هم آمدیم.

همچون همیشه خوشامدگویی سرشار از عشق به همه زنان و مردانی که دغدغه رهایی همه انسانها را دارند و سپس بیان تاریخچه ای مختصر از این روز بزرگ و مبارزات زنان در ایران و جهان.

ساز زدیم و آواز خواندیم، تئاتری در موضوع ستم هایی که می کشیم، اجرا کردیم، کارگاهی در خصوص نقش تبعیضات جنسیتی، ستم طبقاتی، دین و سنت، آموزش و فرهنگ در زندگی زنان این مرز و بوم داشتیم و نتیجه حاصل از آن، رفتن به سوی "آگاهی" و "تشکل مستقل زنان" بود.

ما زنان در هر برهه از تاریخ به گونه ای پیگیر مطالبات خود بوده ایم و تا کنون در زمینه هسته های مطالعاتی، برپایی مراسم روز جهانی زن، آکسیونهای محدود در این رابطه و انتشار کتب و مقالات متعدد در زمینه مسائل زنان کوشش کرده ایم. پیش از جنبش دی ماه ۹۶ ویدا موحد معروف به دختر خیابان انقلاب برای اعتراض به حجاب اجباری روسری از سر کشید و بر باد داد. پس از آن با شروع تظاهرات پر شور خیابانی در اعتراض به مشکلات بیکاری و گرانی و... حرکت دختران انقلاب

تداوم یافت. در واقع از یک سو سیستم سرمایه سالار و سود محور و از سوی دیگر حاکمیت مردسالارانه و سلطه مذهب و سنت، بستر خیزش و تحرکات مترقی ماههای اخیر بوده است.

ضروری است که جنبش زنان در تداوم حرکت "دختران خیابان انقلاب" گامهای بلندی بردارد.

بخشی از زنان کرج و تهران اسفند ۹۶

۸ مارس بر همه ی کوشندگان جنبش آزادی زن فرخنده باد!

در ۸ مارس سال ۱۸۵۷ زنان کارگر صنایع نساجی نیویورک به خیابان آمدند تا به شرایط غیرانسانی کار و زندگی خود اعتراض کنند. خون زنان کارگری که در آن روز بر سنگفرش خیابانهای نیویورک ریخته شد پس از صد و شصت سال هنوز گرم و تپنده است. نظام سرمایه داری و دستگاه های تسخیم و سرکوب آن هرگز نتوانستند فریاد دادخواهی زنان را خاموش کنند. مبارزه ی زنان برای عدالت اجتماعی، آزادی و زندگی شایسته ی انسانی همواره ادامه داشته است. امروز جنبش زنان برای رفع ستم جنسیتی به جنبش جهانی بدل شده است.

در ایران، حاکمیت با تکیه بر دین، سنت و فرهنگ مردسالاری و با تصویب و اجرای قوانین ضد زن قرون وسطایی به تبعیض جنسیتی که از ملزومات سودآوری نظام سرمایه داری است، صورت قانونی بخشیده و فشاری مضاعف را بر زنان تحمیل کرده است. زنان در تمام قوانین حقوقی و جزایی مورد تبعیض قرار دارند تا حدی که در مواردی چون ارث و شهادت نه یک انسان کامل، بلکه نیمه انسان به حساب می آیند. زنان نه تنها به فرصت های اجتماعی، شغلی و تحصیلی برابر دسترسی ندارند، بلکه از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود

مانند حق انتخاب پوشش، حق انتخاب همسر، مرادده و معاشرت آزاد، اختیار بدن خود، حتی حق سفر کردن، آواز خواندن در مجامع عمومی و حضور در میادین ورزشی محروم شده‌اند. در این میان، عرصه برای ابراز وجود و بالندگی زنان نویسنده و هنرمند پیش از پیش تنگ شده است. زنان نویسنده و هنرمند از بیان آزادانه‌ی اندیشه‌ها احساسات و عرضی هنر خود محرومند. تیغ سانسور بر فکر، بیان، قلم، صدا، چهره و حتی بدن زن بیشتر و براتر عمل می‌کند.

با این همه، مبارزه‌ی زنان برای رفع تبعیض و ستم جنسیتی هرگز متوقف نشده و حرکت زنان به سوی رهایی با افت و خیزهای بسیار، ادامه داشته است. در جنبش اعتراضی ماه‌های اخیر، صدای دادخواهانه‌ی زنان بلندتر و رساتر از دیگران شنیده می‌شود. درست هنگامی که حاکمیت فکر می‌کرد در سرکوب معترضان موفق شده است، این زنان جوان مشهور به «دختران خیابان انقلاب» بودند که در اعتراض به حجاب اجباری، با اطلاع کامل از عواقب مخاطره آمیز چنین حرکتی، یکی پس از دیگری به خیابان آمدند، در سکوت بر سکوها ایستادند و حجاب از سر برداشتند تا سکوت معنادارشان بلندترین فریاد آزادی باشد. این در حالی است که پاسخ حاکمیت به خواسته‌ی برحق این زنان چیزی جز ضرب و شتم، دستگیری، زندان و شکنجه نبوده است. افزون بر اینان، هم‌اکنون شماری از زنانی که شجاعانه بر حقوق انسانی خود پای می‌فشارند، به «جرم» گفتن و نوشتن از حقوق و خواسته‌های خود و اعتراض به تبعیض و نابرابری و بیعدالتی در زندان به سر می‌برند. بسیاری از آنان جان خود را با اعتصاب غذای طولانی به خطر می‌اندازند تا صدای اعتراض و مقاومتشان حتی از پشت میله‌های زندان به گوش جامعه برسد. اکنون نویسندگان ایران جنبش آزادی‌خواهانه‌ی زنان را ارج می‌نهد و از آن حمایت می‌کند، چرا که باور دارد معیار آزادی هر جامعه‌ای آزادی زنان در آن جامعه است. اکنون در فضای حقیقت‌طلبانه و سانسور شکن زنان آزاده، به استقبال ۸ مارس

می‌رود و این روز جهانی را گرامی می‌دارد روزی که پیام‌آور دنیایی آزاد و عاری از ستم و تبعیض است.

کانون نویسندگان ایران

۵ اسفند ۱۳۹۶

"زنان نمی‌از جهانند"

۸ مارس برابر با ۱۷ اسفند "روز جهانی زن" را به همه زنان ایران و جهان شاد باش می‌گوییم!

شاید تاریخ نوشته شده مبارزات زنان به بیش از ۲۰۰ سال نرسد اما هزاران سال خشونت علیه زنان در تاریخ نانوشته جهان مدفون است. فرودستی زنان در تمامی عرصه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی به دلیل وجود مردسالاری و سرمایه داری و آیین‌ها و سنن ضد زن تولید و بازتولید می‌شود. مبارزات زنان برای کمرنگ کردن این تبعیضات دستاوردهای عظیمی داشته است. اما تا رهایی کامل زنان فاصله بسیار است.

زنان در عرصه اقتصاد و دانش و فن آوری به رشد و بالندگی رسیدند. در حیطه آموزش دانشگاهی خط بطلائی کشیدند بر یاده گویی‌هایی که عقل زنان را کمتر از مردان می‌بینند و هنر را در اختیار بیان آزادی خود گرفتند. هر فضایی را که از او به عنوان "جنس ضعیف و نرم خو و صبور" نام می‌برد، به چالش کشیدند.

زنان خود را مالک تن خود دانستند و اختیار کنترل آن را از مردانی گرفتند که بدن زن را صرفاً ابزاری برای تولید نسل و یا کامجویی قلمداد می‌کردند. راه بسیار سخت و ناهمواریست، موانع بسیارند؛ تهدید به زندان و اسید پاشی و توهین و تحقیر همچنان شلاق بر پیکر زنانی فرود می‌آید که فرودستی را بر نمی‌تابند و فریاد رهایی را سر می‌دهند.

زنان بازنشسته در کنار رنج و زحمت ۳۰ سال کار در بیرون از خانه، سختی "کار خانگی" را نیز بر دوش حمل کردند (همچون دیگر خواهران خود). آنان در محیط کار، جامعه، درون خانواده، در خیابان و مجامع با انواع تبعیض‌ها مواجه شدند که بخش اعظمی از آن در رابطه با گستره کار خانگی و عرصه

اجتماعی همچنان ادامه دارد... زنان کارگر ۳۰ سال در محیط کاری غیر بهداشتی و نامور و با حداقلی از دستمزد شیره جانشان را به کارفرما فروختند. معلمان و پرستاران و کارمندان بخش‌های گوناگون هم با انواع کنترل‌ها به لحاظ "پوشش و رفتار منطبق بر شرع" هر آن زیر تهدید و اخطار قرار داشتند.

اکنون هم می‌بینیم که زنان بازنشسته برای کسب حقوق پامال شده‌شان در سنگر مطالبه خواهی چه حضور درخشان دارند و دمی از مبارزه دست بر نمی‌دارند... در هر تجمع اعتراضی اعم از معلمان و کارگران و پرستاران و همه دستمزد بگیران چهره مصمم زنان بازنشسته آشکار است!

ما با شناخت هر چه بیشتر از عوامل فرودستی زنان و مقابله با آنها و با حمایت از مقاومت‌های گوناگون زنان و دخترانمان، آینده‌ای روشن و به دور از خشونت را بر پرده زندگی نقاشی خواهیم کرد. ما انواع بهره‌کشی‌ها در محیط کار و خانواده را جز به نفع رویکردهای "رهایی زنان بخشی از رهایی جامعه" است.

"گروه اتحاد بازنشستگان"

۹۶/۱۲/۱۷

گرامی باد ۸ مارس روز جهانی زن

زنان ایران نسیمی از جامعه هستند که در همه مقاطع تاریخ نابرابری از حقوق برابر با مردان برخوردار نبوده و مورد شدیدترین اعمال تبعیض آمیز جنسیتی قرار داشته‌اند.

در جریان انقلاب ۵۷ زنان به خاطر رهائی از سنن، باورها و قوانین غیر انسانی و ضد زن، مجال را غنیمت شمرده و همگام و شانه به شانه کارگران و محرومان و همه انسان‌های به تنگ آمده از اختناق و سرکوب آریامهری مبارزه و جانفشانی کردند.

با سرنگونی رژیم شاه هیچیک از آرزوهای مردم قیام‌کننده برآورده نشد و با یورش به دستاوردها، حتی بسیاری از حقوق‌هایی که قبل از انقلاب، به حکومت تحمیل شده بودند، بازپس گرفته شدند. زنان یک

بخش عظیم و نسیمی از جامعه بودند که به شدیدترین شیوه مورد تعرض سیستماتیک قرار گرفتند. بیشترین و ممکن‌ترین سنتها و باورهای ضد زنانه به قانون علیه زنان درآمدند و با تمام قدرت زنان سرکوب شدند.

اما زنان با یورش همه جانبه و سازمان یافته جدید عقب‌نشستند و در تمام دوره‌های ۴۰ سال گذشته به شیوه‌های مختلف به مبارزات خود علیه قوانین و اعمال زن ستیزانه ادامه داده‌اند. با یونز روسری بر پیشانی‌شان چسباندند، به رویشان اسید پاشیدند، قتل‌های زنجیره‌ای و کشتارشان را سازمان دادند، مورد ضرب و شتم گشت ارشاد و نهی از منکر قرار گرفتند، ولی کوتاه نیامدند و تن به قوانین ضد زن ندادند.

در ادامه این دوره طولانی مبارزات سرسختانه زنان آزادیخواه است که در جریان خیزش دی ماه زنان و دختران وسیعا به میدان آمدند و با برداشتن حجاب از سر و بستنش بر سر چوب، نقطه عطفی تعیین کننده در تاریخ مبارزات چهل ساله خود را خلق کردند که نه تنها مبارزان زنان را به سطحی بالاتر ترفیع دادند، بلکه باعث تحول در شیوه و سطح مبارزات بخش‌های دیگر جامعه گردیدند.

فضای مبارزاتی امروز جامعه که زنان خود نقش بسزائی در ایجاد آن داشته‌اند، امکان برگزاری مراسمات باشکوه ۸ مارس روز جهانی زن را میسر ساخته است.

با امید به برگزاری مراسمات سراسری و باشکوه روز جهانی زن انجمن صنفی کارگران برق و فلزکار کرمانشاه ۱۶/۱۲/۱۳۹۶ *****

متن بیانیه تجمع هشت مارس مقابل وزارت کار

از خاکستر زنان مبارز سوخته در آتش طمع و قساوت سرمایه‌داری و مردسالاری در هشتم مارس ۱۹۰۸ ققنوسی جان گرفت که از صد و ده سال پیش تاکنون بر فراز جهان در پرواز است و الهام‌بخش مبارزات زنان به جان آمده از ستم جنسیتی و نابرابری طبقاتی شده است.

ما جمعی از زنان در هفدهم

اسفند و مقارن با روز جهانی زن، با بزرگداشت یاد و خاطره زنان مبارزی که از انقلاب مشروطیت تاکنون برای احقاق حقوق خود از پای ننشست‌اند، گرد هم آمدیم تا نارضایتی و اعتراض خود را به وضعیت ناگوار و رو به قهقاری زنان و پایمال شدن حقوق انسانی و اجتماعی‌مان اعلام نماییم و بار دیگر مطالبات نادیده گرفته شده و بر زمین مانده‌مان را در فضای عمومی جامعه یادآوری کنیم.

با گذشت چهار دهه از انقلاب ۵۷ که با مشارکت و حضور زنان در صفوف انقلابیون و برای دست یافتن به زندگی انسانی و برابر به شمر نشست، اکنون شاهد آن هستیم که نه تنها رویاها و امیدهای زنان محقق نشده، بلکه وضعیت رزم خورده است که بارزترین مشخصه‌اش فقدان حقوق اجتماعی، وابستگی اقتصادی و انزوای سیاسی زنان است.

ایدئولوژی حاکم و دستگاه‌های تبلیغاتی آن با توسل به آموزه‌های مردسالاری با تمام قوا در مقابل مطالبات و خواسته‌های زنان قد علم کرده و خانگی‌سازی، انزوا، فرودستی و پستترین مراتب اجتماعی را به زنان تحمیل نموده‌اند و در مقابل با اعتراض و حق خواهی زنان به شدیدترین وجه برخورد شده و پاسخ این حق خواهیها، خشونت، بازداشت و زندان بوده است.

یکی از تبعیض‌آمیزترین مصادیق ستم بر زنان، ستم جنسیتی در حوزه اشتغال و کار بوده است که منجر به تشدید نابرابری، فرودستی و فقر زنان شده است.

اکنون در شرایطی هستیم که نرخ مشارکت اقتصادی زنان به ۱۵/۹ درصد محدود مانده؛ بیست میلیون زن خانداندار عملاً در چهاردیواری خانه‌ها محبوس و سه میلیون نفر زن تحصیلکرده لیسانس و بالاتر از یافتن شغل سرخورده و از شمول بیکاران خارج شده‌اند. در چنین شرایطی محرومیت و طرد زنان از اشتغال و استخدام رسمی در دستگاه‌های دولتی ادامه دارد؛ زنان به‌طور برنامه‌ریزی شده و عامدانه از بازار کار و اشتغال حذف و طرد می‌شوند و وضعیت شغلی‌شان بیش از پیش ناپایدار و نامطمئن می‌شود.

زنانی که بنا به ضرورت و نیاز به کار در بخش خصوصی مشغول به کار شده‌اند، با دستمزد ناچیز و بدون بیمه و هر نوع مزیت شغلی و در فقدان حمایت قانونی تحت ستمکارانه‌ترین نوع بهره‌کشی و استثمار قرار گرفته‌اند و راه ترقی شغلی بر زنان بسته شده است.

در شرایطی که هیچ‌گونه تدبیر و امیدی برای اشتغال زنان وجود ندارد، زنان عمدتاً و به ناچار نیروی کار مشاغل غیررسمی را تشکیل می‌دهند و با اشتغال در کارگاه‌های کوچک و یا دستفروشی و ... از حداقل‌های قانون کار نیز بی‌بهره‌اند. این زنان در معرض انواع آسیب‌ها و آزارهای جنسی قرار دارند و نه تنها قانون آنها را نادیده گرفته بلکه هر از گاه مورد تعقیب و آزار مأموران قانون، همچون مأموران شهرداری قرار می‌گیرند. زنان روستایی و کشاورز با وجود نقش برجسته‌ای که در تولید دارند و بخش بزرگی از کارگران کشاورزی را تشکیل می‌دهند از اولیترین حقوق کار بی‌بهره و محروم‌اند. در این میان زنان مهاجر به عنوان مطرودان و محنوفان و فراموش‌شدگان جامعه، ستمی به مراتب بیشتر و عمیق‌تر را تجربه می‌کنند.

ما حاضران در این تجمع برای بهبود وضعیت زنان و در راستای تلاش برای پایان دادن به ستم جنسیتی مطالباتمان را به این شرح اعلام می‌کنیم و خواستار همبستگی خواهرانه تمام زنان رهایی طلب و عدالت‌خواه برای پیشبرد این مطالبات حداقلی هستیم:

- ۱- رفع تبعیض جنسیتی در حوزه کار و اشتغال، فراهم شدن زمینه حضور زنان در تمام مشاغل بدون هیچ استثناء و اغماض و حذف تمام موانع جنسیتی در استخدام زنان در دستگاه‌های دولتی و غیردولتی، برقراری بیمه بیکاری مکفی برای همه زنان بیکار و خانه دار و برخورداری زنان خانه دار از حقوق بازنشستگی و از کار افتادگی
- ۲- پرداخت دستمزد برابر با مردان به همه زنان در رده‌های شغلی مشابه
- ۳- افزایش حداقل دستمزد زنان کارگر بر اساس سبد معیشت خانواده
- ۴- لغو قراردادهای موقت کار

و تبدیل همه آنها به قرارداد دائم، نظارت بر بازار کار بخش خصوصی برای اعاده حقوق زنان و تأمین شرایط کار منصفانه با بیمه، مزایای شغلی و مرخصی

۵- ملزم کردن کارفرمایان بخش خصوصی به اعطای حق مرخصی زایمان به زنان و تضمین بازگشت زنان به کار پس از پایان دوره مرخصی زایمان

۶- فراهم کردن تسهیلات لازم برای مادران شاغل و خانه دار همانند احداث مهدکودک‌های رایگان در محل کار و زندگی یا پرداخت هزینه ثبت‌نام کودکان در مهدکودک

۷- فراهم کردن زمینه رسیدگی به شکایات زنان شاغل اعم از کارگر، پرستار، معلم و ... برای رسیدگی به حقوق از دست رفته‌شان در مراجع قانونی و قضایی

۸- حمایت قانونی از زنان کشاورز، تأمین امنیت شغلی و بیمه برای آنها و ملزم کردن کارفرمایان به انعقاد قرارداد با زنان کارگر بخش کشاورزی

۹- به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکلهای کارگری و صنفی برای زنان و مردان

۱۰- حذف سهمیه‌های جنسیتی پذیرش دانشجو در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پایان دادن به تفکیک جنسیتی در فضاهای آموزشی

۱۱- حذف موانع ورود زنان و اجادل شرایط به هیئت علمی دانشگاه‌ها.

۱۲- پایان دادن به طرح‌های استثمار کننده نیروی کار جوان و آسیب‌زننده به شرایط کارگران و مزدبگیران نظیر طرح کارورزی.

۱۳- پایان دادن به سیاست اجباری افزایش جمعیت و اعمال فشار بر زنان و محروم کردنشان از حقوق اجتماعی به بهانه اولویت دادن به نقش مادری برخوردار و دسترسی همه زنان به همه روش‌های پیشگیری از بارداری، و حق پایان دادن داوطلبانه به بارداری.

۱۴- تصویب حقوق برابر در قوانین مربوط به ازدواج، طلاق، خروج از کشور، تابعیت، ولایت و حضانت بر فرزندان، ارث، دیه، شهادت، لغو چندمسرری، تغییر

سن مسئولیت کیفری و سن ازدواج دختران و پسران به ۱۸ سال

۱۵- رفع هر نوع تبعیض قومیتی از زنان مهاجر

۱۶- تصویب قوانین حمایتی در زمینه منع خشونت خانوادگی، آزار خیابانی و آزار جنسی در محیط کار و ایجاد خانه‌های امن برای زنان قربانی خشونت خانوادگی

۱۷- به رسمیت شناختن حق انتخاب پوشش که حق بدیهی و از مطالبات امروز زنان است و جلوگیری از هر نوع برخورد خشونت‌آمیز با معترضان به حجاب اجباری و مجرم شناختن آنها

۱۸- مبارزه با باورها و فرهنگ و سنت‌های زن ستیز در اجتماع، محل کار، خانواده، رسانه، مراکز آموزشی و ...

۱۹- جرم‌زدایی از فعالیت‌های جنبش زنان ایران و اجازه فعالیت‌های آزادانه به کنشگران حقوق زنان برای پیگیری مطالبات و حقوق از دست رفته

۲۰- به رسمیت شناختن و پایبندی حکومت به آزادی بیان، اندیشه، رسانه، برگزاری تجمع و تظاهرات و آزادی بی قید و شرط تمام کسانی که به جرم فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و صنفی دستگیر شده‌اند

۲۱- ریشه کن کردن فقر، فحشا، اعتیاد و تامین بودجه و سرمایه گذاری واقعی برای رفع مشکلات محیط زیست از جمله آلودگی هوا

بیانیه ی جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان به مناسبت روز جهانی زن ۸ مارس ۲۰۱۸

به چهره جهان بنگرید
به زنان جهان،
به آنها که نیمی از جمعیت کره ی زمین را تشکیل می دهند،
به آنان که همه ی انسانهای جهان را با عاطفه ی مثال زدنی مادرانه به دنیا می آورند
به چهره هایشان خوب بنگرید.

اما همین جهان نسبت به زنان، به شدت بیرحم است. تا جایی که رسماً علیه آنان قوانینی را می گذراند که از فرط ضد زن و غیر

انسانی بودنشان، باید سر به زیر افکنده و شرم نماید.

دنیا وارونه است، باید آن را به روی پا گذاشت و اختیار را به انسان وانسانیت باز گرداند.

امروز در جهان، تلاش روزافزون برابری خواهانه در تمامی عرصه های زندگی، امری پذیرفته شده و خدشه ناپذیر است. هر شخص و دولتی برای کسب محبوبیت و رای، در جبهه ی مدافعان حقوق زنان قرار می گیرد، حتی اگر تفسیری واپس گرا از این حقوق داشته باشد.

با این حال در شرق و غرب، و با وجود قوانین متفاوت در کمیت و کیفیت، همچنان تبعیض و ستم بر ضد زنان اعمال میشود.

اما جنگ برای نابرابری، زمین داغی ست زیر پای مدافعین ریز و درشت آپارتاید جنسی که در قرن حاضر، دیگر قادر به ایستادن روی آن نیستند.

در حوزه ی اقتصادی، تخطی رسمی در مورد زنان ضرورت خود را از مناسبات مزد بری حاکم بر اقتصاد و انباشت سرمایه می گیرد.

از این نقطه نظر، سود بیشتر و ارزان نگه داشتن هرچه بیشتر نیروی کار و گرایشات واپس مانده ی مرد سالارانه، ابزارهای کهنه اما موثری را برای اعمال نابرابری در قوانین دولت ایجاد کرده است که دست سودجویان را در حمله به سطح

معیشت مزد بران آزاد گذاشته است. در حقوق اجتماعی نیز وضع به مراتب فاجعه آمیز تر است.

سدهای ایجاد شده در افزایش حداقل سن ازدواج کودکان، حقوق خانواده، طلاق، ارث، دیه، حضانت فرزندان، فرزند خواندگی، تعدد زوجات، قوانین جزایی، مسافرت خارج از کشور، مزایای شغلی، حق اولاد، بیمه ی وابستگان خانواده، آزادی انتخاب پوشش وهر آنچه يك انسان شهروند لازم دارد، در بسیاری موارد به گونه ای تدوین شده اند که گویی زنان را فاقد قوه ی تشخیص می دانند.

گویا حتی با نگاهی سنتی هم، اشراف مخلوقات شامل زنان نمی شود!

برای ما فعالین لغو کار کودک و حق کودکی، خواسته های برابری طلبانه ی امروز زنان، نه تنها مبنای رفع ستم و تبعیض علیه نیمی از جمعیت کره زمین، که پیش شرط رفاه و سعادت تمامی انسان ها و بویژه زندگی انسانی برای کودکان است.

ما خود را در این تلاش های انسانی سهم دانسته و در مبارزات زنان به منظور تحقق بخشیدن به آنها شریک می دانیم .

جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان
۱۳۹۶سفند ۱۷



۸ مارس روز جهانی زن ■ ■ ■ ■ ■ زنده باد انقلاب زنانه ایران ■ ■ ■ ■ ■

مادختران خیابان انقلابیم
نه به حجاب . نه به جمهوری اسلامی

Women revolution
انقلاب زنانه

پیرامون ادعای «رشد اقتصادی و کاهش تورم» توسط دولت!

محمد شکوهی



غذایی بالای ۳۵ درصد، خدمات درمان و رقمی بالای ۱۳ درصد از دستمزدهای کارگران را می بلعند. این سه مورد بیشترین اقلام کالاهای مورد مصرف کارگران می باشند. دستمزدهای میلیونیهای کارگر کفاف این هزینه را نمی دهند. سفره کارگران کوچکتر و کیفیت سبد غذایی کارگران بشدت دچار تغییرات منفی شده است. تغییراتی که سلامت و زندگی میلیونیها خانواده کاری را با مخاطرات جدی روبرو کرده است.

این وضعیت واقعی تورم و گرانی است که دمار از روزگار میلیونها کارگر و مردم مزدبگیر درآورده است. در یک چنین وضعیتی دولت با اعلام تورم زیر ۱۰ درصدی اش، سودای تحمیل افزایش چندرغازی دستمزدهای سال ۹۷ به کارگران را با تورم ادعایی اش، زیر ۱۰ درصد را در سر دارد. جامعه کاری به این سیاستها بشدت معترض بوده و هر روزه برعلیه آن دست به مبارزه میزند. طرح مطالبه افزایش دستمزدهای ۵ میلیونی، تنها بخشی از مطالبات کارگران پیشرو در مبارزات جاری به عنوان راه حلی برای تامین حداقل های يك زندگی برای طبقه کارگر و مزدبگیران طرح شده است.

نتیجه گیری: ادعای رشد اقتصادی بین ۴ تا ۶ درصد واقعی نیست. اقتصاد زمین گیر شده حکومت توان ظرفیت فراهم آوردن ملزومات سیاسی و اقتصادی این رشد ادعایی حکومت را ندارد. اقتصاد حکومت اقتصاد تك محصولی و اساسا متکی بر نفت می باشد. گشایشی در بخش تولید و صادرات نفت بعد از برجام و لغو برخی تحریمها برای حکومت پیش آمده است. از این گشایش چیزی نصیب کارگر و مردم نشده است.

اما هدف دولت از اعلام تورم تك رقمی چیست؟ يك بحث مهم در ماجرای اعلام تورم تك رقمی، بحث مربوط به میزان افزایش دستمزدها می باشد. دولت و باندهای حکومتی مدعی هستند که در قانون کارشان افزایش دستمزدها بر پایه میزان افزایش تورم می باشد. یعنی افزایش دستمزدها نباید پائین تر از میزان تورم اعلام شده دولتی باشد.

دولت تورم را تك رقمی، زیر ۱۰ درصد اعلام کرده تا افزایش دستمزدها زیر ۱۰ درصد را به بیش از ۲۲ میلیون کارگر تحمیل نماید. از حدود چند هفته پیش موضوع افزایش دستمزدهای کارگران در دستور باندهای حکومتی قرار گرفته است. نمایندگان دولت، خانه کارگر و کارفرمایان همگی بر سر این موضوع توافق کرده اند که افزایش دستمزدها نباید بیشتر از ۱۰ درصد باشد چرا که تورم تك رقمی می باشد و دولت این تورم اعلام شده را باید مبنای افزایش میزان دستمزدهای سال ۹۷ قرار بدهد. این سیاست رسمی دولت می باشد. اساس این سیاست تحمیل دستمزدهای زیر خط فقر به بخش اعظم طبقه کارگر در ایران می باشد.

در این میان کارگران و مردم از پائین بودن سطح دستمزدها و زندگی با دستمزدهای زیر خط فقر بشدت ناراضی بوده و مبارزات جدی برای افزایش دستمزدها در جریان می باشد. کارگران اعلام کرده اند که تورم اعلام شده از طرف دولت واقعی نیست. تورم واقعی رقمی بین ۲۵ تا نزدیک به ۴۰ درصد در بخش کالاها و خدمات می باشد. فقط گرانی قیمت کالاهای اساسی مورد مصرف کارگران و مزدبگیران، با افزایش بین ۲۵ تا ۳۰ درصد روبرو می باشد. قیمت اکثر اقلام مورد مصارف عمومی افزایش روزانه دارد.

بر اساس داده های آماری نهادهای آمارگیری حکومتی مسکن نزدیک به ۵۲ درصد، مواد

درصد تجارت خارجی و صادرات حکومت زیر مجموعه صادرات نفت و مایعات نفتی و گاز و... بوده است. در کنار آن صادرات مواد معدنی خام، آنچه خود حکومت به آن "خام فروشی" می گوید افزایش ۴۵ درصدی داشته است. از فروش خاک رس و انواع خاک های معدنی و بخش کمیاب تا صادرات سنگ های قیمتی و... .

جالب اینجاست باز بر اساس آماری که اتاق صنایع و بازرگانی ایران داده است، در يك دهه گذشته بیش از ۷۰ درصد معادن و صنعت استخراج معدن دچار ورشکستگی شده است و هزاران کارگر بیکار شده اند.

برگردیم به ماجرای تورم تك رقمی! ماجرای تورم تك رقمی مورد ادعای دولت؛ بانک مرکزی و مرکز آمار. البته باید بین تورم پولی و تورم و یا گرانی کالاهای اساسی و مورد مصرف عموم تفکیک قائل شد. تا آنجایی که به کاهش تورم در بخش کالاها و قیمتتهای این کالاها برمیگردد، حکومت مدعی گرانی زیر ۱۰ درصدی این کالاها ست. یعنی گرانی در این بخش ده درصد می باشد. که در مقایسه با دوره اول دولت روحانی، تورم از ۴۰ درصد به ۱۰ درصد رسیده است. این ادعای دولت حتی بارها از طرف مجلس رد شده و حتی وزارت کار رژیم نیز مجبور شد به همراه دار و دسته ها و تشکل های حکومتی، به این آمارها اعتراض کرده و خواهان اصلاح و واقعی کردن آمارها شدند.

البته دولت و نهادهای مسئول وقعی به این اعتراض سایر باندهای حکومتی نهاده و مدام با دستکاری آمار و تهیه آمار و ارقام جعلی مدعی شدند تورم تك رقمی شده است. نهایتا در مباحث بودجه ای حکومت تورم زیر ۱۰ درصد را وارد کردند تا بتوانند سیاستهای آینده شان، از جمله در مورد موضوع افزایش میزان دستمزدهای سال آینده، بر این مبنای افزایش چندرغازی دستمزدها را به کارگران تحمیل نمایند.

به چند دلیل: ایجاد اشتغال و افزایش بارآوری تولیدی کار در این رشد اقتصادی مورد نظر دولت تقریبا صفر بوده است. نفت را صادر کرده و درآمدهای دولتی از محل صادرات نفت افزایش یافته و این رقم را به حساب رشد اقتصادی کلی گذاشته اند. این در واقع رشد درآمدهای نفتی دولت می باشد بدون اینکه حتی در بخش دستمزدهای کارگران و دریافتی هایشان بر اساس این رشد ادعایی، تغییر مثبتی ایجاد شده باشد؛ بدون اینکه شاخص های سرمایه گذاری و رشد اقتصادی سایر بخش های صنعت اشاره ای به آن شده باشد. کارگر با همان حداقل دستمزد و در بدترین شرایط بیشتر تولید نفتی را ممکن کرده است. مطالبات و دستمزدهای کارگران بخش های مختلف صنعت نفت و گاز و پتروشیمی با ماهها تاخیر پرداخت میشود آن هم به زور مبارزه کارگران. نه تنها اشتغالی در بخش نفت و زیر مجموعه هایش که بخش اصلی صنعت درآمد زای حکومت می باشد، صورت نگرفته، بلکه این بخش با بیکاری و اخراج کارگران روبرو بوده و به اعتراف مقامات وزارت نفت، "تعدیل نیروها" را دنبال داشته است. مبارزه کارگران پتروشیمی در ماههای اخیر علیه نبود امنیت شغلی خود تنها يك مورد می باشد.

در بخش مربوط به تجارت خارجی و صادرات دولت مدعی شده صادراتش افزایش پیدا کرده و به رقم بالایی در ۱۰ سال اخیر رسیده است. این رقم بین ۳۰ تا ۴۰ میلیارد دلار اعلام شده است.

این هم جالب است علاوه بر صادرات نفت که بخش عمده تجارت خارجی حکومت را تشکیل می دهد، حکومت مدعی شد که صادرات غیرنفتی در يك سال و نیم گذشته رشدی نزدیک به ۱۵ درصد داشته است. اینجا هم وقتی در ریز آمارهای صادرات فرآورده های غیر نفتی دقیق می شویم، نزدیک به ۸۰

به این اخبار و گزارشات پیرامون اوضاع اقتصادی حکومت توجه کنید.

* بانک مرکزی، مرکز آمار و دولت تورم زیر ۱۰ درصد و تك رقمی می باشد. تشکل های حکومتی خواهان افزایش دستمزدها بر پایه تورم تك رقمی اعلام شده از طرف دولت می باشند.

* مرکز پژوهشهای مجلس: نرخ رشد اقتصادی سال ۱۳۹۶ حدود ۴/۶ درصد. مرکز آمار و دولت رشد اقتصادی بالای ۶ درصد می باشد.

* سیف رئیس بانک مرکزی: دلار به ثبات خواهد رسید تا اون موقع قیمت دلار دولتی بالای ۳۷۰۰ تومان خواهد ماند.

* مرکز آمار تورم بازم تك رقمی شد. نزدیک به ۳ میلیون بیکار ثبت شده داریم.

اینها اخبار چند روز اخیر دولت و نهادهای مهم رژیم پیرامون وضعیت اقتصاد حکومت می باشد که از زبان دست اندرکاران دولت روحانی اعلام شده است. آمار وارقامی که مدعی هستند، تورم تك رقمی شده، رشد اقتصادی بین ۴ تا ۶ درصد بوده است، آمار بیکاران ۳ میلیون نفر می باشد، دلار بالای ۳۷۰۰ تومان می باشد.

چند نمونه از این خبرها را کمی بیشتر باز می کنیم. ابتدا ماجرای «رشد اقتصادی ۶ درصد» (و بیشتر. در حالیکه مرکز آمار حکومت اعتراف کرده که رشد اقتصادی بیشتر نفتی بوده، دولت روحانی مدعی رشد اقتصادی در همه عرصه های صنعت و اقتصاد حکومت شده است. رشد اقتصادی مورد نظر دولت یعنی افزایش صادرات نفت و درآمد زایی بیشتر برای دولت. در ارائه آمار و ارقام دولت این رشد به حساب "رشد کلاسیک اقتصاد" سرمایه داری که مترادف با افزایش سرمایه گذاری، ایجاد اشتغال و بالا رفتن دستمزدها کارگران قلمداد شده است، چیزی که واقعیت ندارد.

تمام آمرین و عاملین جنایات جمهوری اسلامی در چند دهه گذشته باید دستگیر و علنا محاكمه شوند!

کلیه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی باید فوراً منحل شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party Of Iran

حکومت، بویژه خیزش انقلابی دی ماه، حکومت را با بحران سیاسی به مراتب جلنی تری روبرو کرده است. فشار اعتراض و مبارزه مردم شکاف بالای حکومت را عمیق تر کرده است، جنبش سرنگونی به میدان آمده. ترس و وحشت حکومت از انقلاب آتی مردم و به زیر کشیدن کل بساط حکومت سرمایه داران دزد و قاتل و آدمکش جمهوری اسلامی، در برابر چشمان حکومت قرار گرفته است. در این وضعیت بی افقی کل نظام سرمایه داری اسلامی در ایران، حکومت فقط و فقط به حفظ بقایش می اندیشد و برایش بیشترین هزینه ها را میکند. همه امکانات حکومت برای نجاتش از دست انقلاب مردم و سرنگونی اش توسط انقلاب آتی متمرکز شده است. اقتصاد طرح و برنامه برای رشد اقتصادی و... ارجحیت و موضوعیتی برای حکومتی که در حال رفتن می باشد، ندارد. حکومت دزدان و قاتلان و آدمکشان اسلامی سرمایه در ایران از دست تعرض مردم و انقلابشان در امان نیست. و این تنها راه حلی است که کارگران و مردم ایران به آن فکر میکنند. جمهوری اسلامی باید گورش را کم بکند.

بازی آن به جایی نخواهد رسید. اینجا دیگر گیر اقتصاد حکومت سیاسی می باشد. ضد غربی بودن و ضد آمریکایی گری یک مشخصه ایدئولوژیک و یک بخش مهم سیاست خارجی حکومت می باشد. سیاستی که هزینه های زیادی به حکومت تحمیل کرده است. در همین حال بخش هایی از حکومت، بویژه بعد از توافق هسته ای و اجرای برجام، به امید گشایشی برای اقتصاد حکومت نشسته اند که باز به اعتراف دست اندرکاران دولتی نتیجه زیادی حاصل نشده است. اقتصاد حکومت به گل نشسته. صدور نفت و اقتصاد نفتی و درآمدهای نفتی بخش اصلی اقتصاد حکومت می باشد که این هم بخش عمده اش به مصارف نظامی، تقویت احزاب و دار و دسته های تروریستی هوادار رژیم در منطقه، جنگ نیابتی در یمن و سوریه، در کنار هزینه های دم و دستگاه عریض و طویل سرکوب حکومت میشود. برنامه ریزی کوتاه و بلند مدت برای رشد اقتصاد حکومت، از ادعای رشد صنعتی تا ایجاد اشتغال و... در عمل شکست خورده است.

و بالاخره در کنار این فاکتورهای اقتصادی، موضوع اعتراضات کارگران و مردم به سیاستهای

اشغالزایی در کار نیست. اکثر پروژه ها موقت و اعتباراتشان بین باندهای قدرتمند حکومتی تقسیم میشود. پروژه های ناتمامی که هر روز لیستشان درازتر میشود. اخیراً نوبت سخنگوی دولت گفته که ۷۰ هزار پروژه ناتمام در کشور به ارزش ۴۰۰ تا ۵۰۰ هزار میلیارد تومان وجود دارد. ادعاهای دادن تسهیلات و اعتبار برای تقویت تولید و ایجاد اشتغال حکومتی شکست خورده. بیکاری از قضا در صنایع قدیمی با کارگران با سابقه، در دوره دولت روحانی شدت گرفته است. نهادهای حکومتی در گزارشاتشان به اخراج و بیکارسازی بیش از یک میلیون کارگر شاغل با سابقه کار بالای ۱۰ سال اعتراف کرده اند.

تورم و آمارسازی حکومتی برای نشان دادن کاهش تورم زیر ۱۰ درصد، تقلای دیگر حکومت برای سفید نمایی از وضعیت درهم ریخته و بحرانی اقتصاد می باشد. این سیاست در اساس حمله به دستمزدهای کارگران و تحمیل فقر و فلاکت بیشتر بر کرده طبقه کارگر می باشد. مقاومت و مبارزه کارگران برای عقب راندن این سیاست هر روز ادامه دارد.

اقتصاد حکومت بدون رابطه با اقتصادهای جهان سرمایه داری، بدون پذیرش شرط و شروط و قواعد

مشخصات کانال جدید در یاه ست:

فرکانس 12594

سیمبل ریت 27500

FEC 2/3

پلاریزاسیون عمودی

هاتبرد:

فرکانس 11471

سیمبل ریت 27500

FEC 5/6

پلاریزاسیون عمودی

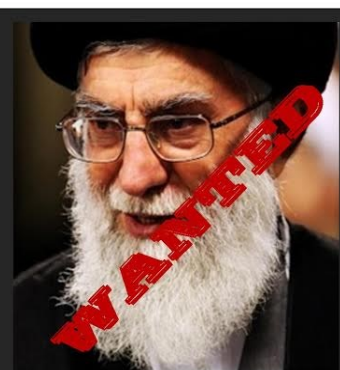
کانال جدید
KANAL JADID

کانال جدید

کانال جدید از امروز روی دو
ماهواره یاه ست و هاتبرد پخش
میشود

به اطلاع عموم میرسانیم که با توجه به شروع خیزش انقلابی مردم و اوضاع متحولی که در ایران شروع شده است، تلویزیون کانال جدید که در یکسال گذشته از ماهواره یاه ست پخش میشد، از امروز ۲۲ دیماه (۱۲ ژانویه) از هاتبرد نیز پخش میشود.

مشخصات کانال جدید در این دو ماهواره را به دیگران اطلاع دهید. کانال جدید صدای مردم است، صدای انقلاب مردم علیه جمهوری اسلامی، صدای مردمی که در خیابان ها فریاد مرگ بر جمهوری اسلامی سر میدهند و در کارخانه ها دست به اعتصاب و تجمع میزنند. صدای مادران و پدرانی است که در مقابل زندانها آزادی عزیزان خود را میخواهند. صدای مردم به خروش آمده علیه کل دم و دستگاه جنایت و جهاول اسلامی است. صدای زنانی است که تبعیض و تحقیر و نابرابری و تحمیلات اسلامی را نمیخواهند. این رسانه را به هر شکل که میتوانید از جمله با کمک مالی تقویت کنید.



Name: Ali Khamenei

Location: Iran

Wanted for
**CRIME
AGAINST
HUMANITY**

**DOWN WITH
ISLAMIC REGIME OF
IRAN**



چند گزارشی از مراسم هشت مارس

گزارش مراسم هشت مارس کلن:

ما نمایندگان انقلاب زنانه در ایران و عراق و عربستان سعودی هستیم!



دیگر دوران زندانی کردن زنان و دختران در پستوها گذشته است، اگر هم خانواده و حکومت و عقب ماندگی و زن ستیزی باعث شود ما را زندانی کنند، با تلفنهای خودمان و با لپ تاپ و اینترنت به دنیای آزاد وصل میشویم با این نمیتواند کاری بکنند.

رعنا احمد یکی از سخنرانان کنفرانس سوم مارس در شهر کلن در آلمان خود نمونه بارز این استفاده از امکانات نامرئی تماس با دنیا و پاسخ یافتن سوالاتش در دنیای مجازی است. او کم کم به همه چیز شک میکند و در اطاق زندانش میکند و از طریق اینترنت به ریچارد داوکینز وصل شده و سوالاتش را میپرسد و پاسخ میگیرد او دیوار سخت زندان خانواده و دولت مرتجع عربستان سعودی را شکافته و فرار میکند و امروز این زن شجاع به ما و به یک جنبش بین المللی در دفاع از حقوق و حرمت زنان وصل شده و مبارزه اش را با علاقه و جدیت ادامه میدهد. خانواده رعنا او را به مکه میبرند تا طواف کند و عقل اسلامیش سر جای خود بیاید و او در میان میلیونها نفر زوار در مقابل کعبه در یک فرصت در کاغذی مینویسد جمهوری آتئیستی و اینرا عکس گرفته و به همان دنیای نامرئی و مهم میفرستد. فیسبوک این پیام را به خانه میلیونها نفر میبرد و رعنا به جنبشی جهانی در نقد اسلام و مذهب وصل میشود. اکنون او

دختران خیابان انقلاب بود. او در بخشی از سخنان خود گفت: پارچه ای که شما بر چوب کرده اید، یک تکه پارچه نیست چکیده و عصاره همه زخم هایی است که بر پیکر زنان وارد کرده اند در آن پارچه نوشته شده است، زنان انسان نیستند، حق طلاق ندارند، خونشان نصف خون مرد ارزش دارد و سنگسار زنان یاغی قانونی است، شما با پرتاب کردن این پارچه ها این عصاره سرکوب و ستم اعلام میکنید که نه به قوانین اسلامی و شریعه و نه به حکومتهای اسلامی. شما زنان در ایران با این حرکت در عین حال پاسخ محکمی به این نظریات دادید و گفتید که ایران کشور اسلامی نیست، حجاب فرهنگ ما نیست و ما از انسانیت و حقوق انسانی و از دستاوردهای رنسانس در اروپا دفاع میکنیم.

این برنامه با موزیک و ویدئو کلیپ های کوتاه و سپس با رقص و پایکوبی ادامه یافت. از همه حاضرین در این برنامه مهم و از دست اندرکاران و تیم بزرگ برگزار کننده این مراسم نهایت تشکر را داریم.

*** **

استکهلم

سوم مارس سمینار به مناسبت هشت مارس با شرکت حزب کمونیست کارگری ایران. حزب کمونیست ایران و حزب حکمتیست و شورای حمایت از مبارزات مردم ایران در استکهلم برگزار شد شیرین شمس نماینده حزب کمونیست کارگری در این سمینار شرکت کردند

*** **

گوشه های از برگزاری مراسم بمناسبت ۸ مارس در شهر یوتبوری - سوئد

روز شنبه سوم مارس مراسم باشکوهی بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن برگزار گردید. مراسم ابتدا با پخش کلیپی از مبارزه زنان در ایران بویژه دختران خیابان انقلاب

آغاز شد. به دنبال آن فریده آرمان از طرف نهاد حق زن سخنرانی کرد.

فریده در سخنرانی خود تصویر بسیار زنده و واقع بینانه ای از موقعیت زنان در ایران و در کشورهایی که قوانین و سنت های اسلامی و مردسالار حاکم است، نشان داد.

از حجاب اجباری تا جنگیدن برای طلاق و حق حضانت و سرپرستی بچه، تا زنان پناهنده و مهاجری که در همین کشور سوئد هزاران گرفتاری پیدا کرده و خودش آنها را کمک کرده، نمونه هایی بود که فریده در سخنرانی خود به آنها پرداخت و دو جلد کتاب که از فعالیت های خود در زمینه دفاع از حقوق زنان و کودکان تهیه و تنظیم کرده بود در سخنرانی اش معرفی کرد.

بخش دیگری از برنامه نمایشی بود در مورد دختران خیابان انقلاب که از جانب چهار دختر و یک پسر جوان اجرا شد که بسیار جالب و دیدنی بود.

در بخش بعدی برنامه اصغر کریمی از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران سخنرانی کرد. او در سخنرانی خود به زمان فرمان خمینی در مورد اجباری کردن حجاب و مبارزه و مقاومت زنان علیه حجاب در طول عمر جمهوری اسلامی اشاره کرد و این روند تاریخی را خیلی خلاصه تا زمان حرکت اخیر دختران خیابان انقلاب را

توضیح داد.

بخش های بعدی برنامه به رقص و پایکوبی اختصاص داشت که در این بخش از برنامه نیز یک ساعت به گروه موسیقی فریبرز کرمی اختصاص داشت که شور و حال خاصی به مراسم هشت مارس داده بود.

بخش پایانی برنامه مثل همیشه در دست DJ مرجان بود که با آهنگ های خویش اکثر شرکت کنندگان را به زمین رقص کشانده بود.

*** **

نروز، اسلو عزیزه لطف الهی

روز شنبه سوم مارس بمناسبت ۸ مارس روز جهانی زن، برنامه ای از طرف کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران با شرکت جمعی از زنان فعال فنلاندی در عرصه زنان در شهر اسپو برگزار شد.

در این برنامه ابتدا عزیزه لطف الهی از طرف کمیته مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران، در مورد چهار دهه از مبارزات زنان در ایران، فراز و نشیبهای این مبارزه و همچنین در مورد حرکت دختران خیابان انقلاب و تلاش و مبارزه زنان زندانی در زندانهای حکومت اسلامی برای احقاق حقوق انسانی، برای حاضرین به زبان فنلاندی سخن گفت.

**حجاب تحمیلی و هر گونه
جداسازی جنسیتی باید فوراً ملغی
شود و آزادی پوشش برقرار گردد.
کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز
علیه زنان باید فوراً لغو شود و حقوق
برابر زن و مرد در همه زمینه ها
اعلام شود.**

اعتراضات سال ۱۳۹۶ علیه فقر!

نسان نودینیان



دادند و سومین روز اعتراض و اعتصاب خود را پشت سر گذاشتند. همزمان کارگران کیان تایر و کارگران فولاد و ذغال سنگ کرمان در مقابل صندوق بازنشستگان دست به تجمع اعتراضی زده اند. از ۱۳ دسامبر تجمعات پرشور و رادییکال دانشجویان در شهرهای تهران، تبریز، زنجان، بابل برگزار شد.

دی ماه ۱۳۹۶ نقطه عطف مهم سیاسی در اعتراضات طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه است. در دی ماه و در ده روزی که جامعه ایران را بلرزه در آورد، اعتراض طبقاتی کارگران و مردم زحمتکش علیه بیکاری، گرانی، فقر و فساد حاکمان بصدا درآمد، قیام برای جنبش سرنگونی با خواست های شفاف با شرکت صدها هزار نفر از مردم در نزدیک به صد شهر شعله کشید، و سرنگونی اما اینبار متفاوت از سالهای ۷۸ و ۸۸ در دستور جامعه قرار گرفت.

اسفند ماه ۹۶ با اعتراضات وسیع و ادامه دار کارگران در مراکز تولیدی و کارخانه های صنعتی شروع شد، در این مدت تا ۱۳ اسفند ماه، بیش از بیست اعتصاب و راه پیمایی در سطح سراسری در جریان است، از جمله: دوازدهمین روز اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد و تجمع در مقابل استانداری اهواز، ۴۰۰۰ نفر از کارگران گروه ملی فولاد اهواز علیه پرداخت نشدن حقوق و مزایا وارد دوازدهمین روز از اعتصاب و گردهمایی شده اند، ۱۳ اسفند کارگران تمام بخش های نیشکر هفت تپه اعم از کشاورزی، کارخانه، تجهیزات، خدمات و پشتیبانی و مهندسی در اعتراض به عدم پرداخت مطالباتشان دست از کار کشیدند و در محوطه شرکت تجمع کردند، اعتصاب و تجمع کارگران سد گلن دره در اعتراض به عدم پرداخت چندین ماه حقوق،

حکومت اسلامی میدیای اجتماعی روزنامه و تلویزیون در دسترس کارگران و اقشار زحمتکش و مزدبگیر نیست، سانسور و سکوت دولت و میدیای دولتی در ارتباط با صدها اعتصاب، تجمع و راه پیمایی سیستم غالب است، اما در عوض میدیای اجتماعی جهانی و استفاده از تلگرام، فیس بوک و ... مرزهای سانسور حقیر و بی مایه استبداد حکومتی را در هم شکست، اخبار اعتصاب و اعتراض در همان لحظات شروع و تا پایان در دسترس افکار عمومی در داخل کشور و سطح بین المللی قرار گرفت.

در سال ۹۶ جنبش کارگری در ایران، معلمان و فعالین اجتماعی توسط اتحادیه های بزرگ کارگری در اروپا، کانادا و استرالیا مورد حمایت بین المللی قرار گرفتند. چندین نامه اعتراضی علیه سیاستهای سرکوبگرانه و پلیسی و شرایط نا امنی محیط کار و پایین بودن دستمزدها و برای آزادی معلمان و کارگران دستگیر شده، منتشر شده است. به این اعتبار جنبش اعتراضی مردم و کارگران در چهارچوب داخل کشوری محصور نشدند، حمایت های بین المللی از کارگران و معلمان زندانی در ایران وجود داشته است.

اعتراضات آذر ماه گام مهم طبقات اجتماعی در حال مبارزه با حکومت اسلامی است. این اعتراضات خصلتی کاملاً طبقاتی و سیاسی را نمایندگی میکنند. دردل اعتراضات آذرماه صدای مطالبات مردم در دی ماه شکل میگیرد. در آذر ماه کارگران با قدرت و همبستگی بیشتری دست به اعتصاب میزنند. آذر ماه ۹۶ با اعتراضات کارگران، دانشجویان، بازنشسته ها گرم، پر شور و شعف شد. بازنشسته ها اینبار با تجمعی بیش از ۱۰ هزار نفر در مقابل مجلس اسلامی دست به تجمع زدند. ۴۰۰۰ نفر از کارگران شرکت نیشکر هفت تپه بطور متحدانه تر و یکپارچه تری اعتصاب خود را ادامه

از حاکمیت بعرضه مبارزه وارد شدند.

فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی اساساً از نسل های ده هفتادی ها هستند که تحت شرایط ویژه ای ابراز وجود میکنند. عروج سیاسی این نسل در دل مبارزه در عرصه سیاسی و مبارزه برای تامین معیشت خود و هم طبقه ای هایش شکل میگیرد. وجود هزاران فعال در عرصه های کارگری، معلمان، انجمن و نهادهای اجتماعی - مدنی، حقوق کودک، جنبش آزادیخواهی و برابری زنان، فعالین و مدافعین کودکان کار و خیابانی، فعالین محیط زیست و حق حیات و زندگی مجموعه ای کامل در جامعه مبارزاتی امروز در ایران را تشکیل میدهند. به این اعتبار سال ۹۶ سال تبلور و عروج نسلی از مبارزین در عرصه های مختلف اجتماعی است که امروز ما وجود موثر و فعال آنها در اعتراضات مداوم در سطح سراسری را بعینه میبینیم. دانش سیاسی و آکادمیک این نسل فراتر و جامع تر از نسل های قدیمی تر است. برتری سواد سیاسی و دانش فعالین کارگری، مطالب و تحقیقات آنها خود ویژه این نسل است!

در سال ۹۶ رو در رویی بیشتر و قطبی تر میشود؛ مساله اصلی و رو در رویی دولت دوازدهم روحانی و نظام سرمایه داری جمهوری اسلامی با کارگران، کاهش وزن و سنگینی طبقاتی - سیاسی حضور فعالین کارگری و معلمان است. رویارویی کارگران با دولت و کارفرماها در حساسترین شرایط سیاسی - تاریخی قرار گرفته است. کارگران حاضر نیستند این اندازه از معیشت تحت شرایط فقر و دستمزدهای پایین تر از ۴ برابری خط فقر دستمزدها را قبول کنند، مبارزه برای معیشت و رفاه و تامین زندگی ممکن با مبارزه برای آزادی و دفاع از کرامت انسانی در سربلوح اعتراض و مبارزات آنها قرار گرفته است.

اگر در ایران تحت حاکمیت

حداقل دستمزدها و طرح مطالبات افزایش دستمزدها وجود داشته. حمایت خانواده های کارگری و شرکت آنها در اعتصاب و اعتراضات بیشتر شده و با قابلیت بالایی در جهت تقویت اعتراضات کارگران به اعتراض متحدانه پیوسته اند. پوشش خبری از طریق میدیای اجتماعی و حضور تعداد زیادی از فعالین کارگری در میدیا اجتماعی در معرفی، حمایت از اعتصاب و اعتراض کارگران بسیار موثر و برجسته بوده. ده ها مورد تجمع اعتراضی در تهران در مقابل مجلس و نهادهای وزارت کار نیز وجود داشته که خود در تعرضی شدن اعتراضات تاثیرات معینی داشته است. حمل پلاکارد، نوشتاری کردن مطالبات و خواستهای اعتراض و تجمع ها در جلب افکار عمومی و حمایت های خیابانی بیشتر شده. صدور قطعنامه بعنوان يك سنت دائمی اعتراض کارگری در تجمعات کارگران وجود داشته است.

عرصه دائمی رو در رویی با دولت و نهادهای امنیتی حکومت اسلامی، فعالین کارگری و معلمان در سال ۹۶ است. این عرصه به مساله ای علنی و رو در رویی آشکار تبدیل شده است. جامعه ایران، رشد نسلی وسیعی کرده است. نسل های قبل از ۵۷ و دهه شصتی ها به مرور جایشان را با نسل دهه هفتادی ها و هشتمادی ها عوض کرده اند. نسل های فعالین کارگری و سیاسی در دهه ۵۰ و ۶۰ با اتکا به سنت های اعتراضی نسلهای قبل از ۵۷ و در موقعیت محافظه کارانه ای موجودیت سیاسی - اجتماعی و هویت های اعتراضی را حفظ کردند. این نسل مورد هجوم وحشیانه قرار گرفت. هولوکاست و نسل کشی جمهوری اسلامی نفس این نسل که تنه سنتهای چپ و سوسیالیستی ده های ۵۰ بود را خفه، و متحمل بیشترین ضربات انسانی شد. دهه شصت و هفتادی ها متفاوت تر از نسل های قبلی در موقعیت تعرضی و با شناخت کامل

سال ۱۳۹۶ با اعتراضات گسترده و استوار طبقات اجتماعی علیه حکومت اسلامی سرمایه سپری شد. اعتراضات خصلتی کاملاً طبقاتی و سیاسی را نمایندگی کردند، و از نقطه قدرتهای خود ویژه ای برخوردار هستند. کتاب اعتراضات "سال ۱۳۹۶ علیه فقر" (بزودی در سایتهای اینترنتی قابل دسترس است) مجموعه ای است از صدها اعتراض در اشکال اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات و میتینگ. و عکس العملهای دولت و کارفرماها، و فعالین کارگری، معلمان و فعالین اجتماعی را در برمیگیرد.

اعتراضات کارگری از سال های ۱۳۹۴ وارد فاز جدیدی شده اند. سال ۱۳۹۵ در مقایسه با سال های قبلتر، سال جهش بزرگ اعتراضات کارگری است. (اخبار اعتصاب و اعتراضات کارگری در این سال (۹۵) را در جزوه ای اینترنتی با بیش از ۱۰۰ صفحه جمع آوری کرده و منتشر کرده ام). در این سال در ۶۵۴ مرکز تولیدی و خدماتی اعتصاب و مبارزات کارگران انجام گرفته است. در سال ۹۵ تحلیل آماری اعتراضات کارگری در: «کارخانها و موسسات با تعداد کارگر حداکثر تا ۱۰۰ نفر ۴۹٪ از کل حرکات و اعتراضات، موسسات تا حداکثر ۱۰۰۰ کارگر ۳۸٪ از کل حرکات و اعتراضات و موسسات تا ۱۰۰۰۰ کارگر ۱٪ از کل اعتراضات، اعتصابات و تظاهرات را داشتهاند»

سال ۹۶ سال گسترش اعتراضات کارگری در اشکال اعتصاب، راهپیمایی، تظاهرات و میتینگ بود. رشد اعتصابات مداوم در بخشهای زیادی از مراکز کارگری بیشتر بوده. نزدیک به نود درصد از اعتصابات و تجمع های اعتراضی در ارتباط با پرداخت نکردن حقوق و مزایا و مخالفت با بیکارسازی و برای حفظ اشتغال، انجام شده. تعدادی از اعتصاب و اعتراضات کارگری اعتراض به

